

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

هادی بهزاد

## صدایی از درون ایران باید

بیطرفی " درحالی که قوانین کهر بر منوع فروش سلاح به کشورهای در حال جنگ وضع کرده است و نیز بی اغراق کشورهای بی که بیش از یک کارخانه تولیدی روت و پیا فشنگ و تفنگ در اختیار رندا رند، به سهم خود مسطوره ای برای جذب دلارهای عراق و رژیم " نه شرقی و نه غربی " آیت الله، روانه ای تهران و بغداد دکرده اند: با یک تفاهت که بعضی " در مقام دوستی " یکی از طرفین در جنگ و پاره ای در آن واحد دو طرف را دوشیده اند و خلاصه گاه همیا شرت مستقیم و گاه در زیر نگاه " خفا بسوس " دولت ها بی کبیوسته بردوا ما بین جنگ " برکشتا رو بی حال " غریبه و رژیم آیت الله را کانون تروریسم و عامل " نا آرامیهای منطقه حساس و حیاتی خاور میانه " خوانده و محکوم کرده اند. سوخت رسانی به کوروی جنگ یک لحظه نیز معطل نمائند است.

بقیه در صفحه ۲

## گر زتش عرش عظیم

سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال گفته است برای تخفیف بحران موجود بین ایران و آلمان دولت " بین " باید رسماً " معذرت خواهی کند. دولت آلمان در برابر چنین درخواست مضحکی البته تسلیم نخواهد شد و اگر بشود جای کمال تا سفخوا هد بود ولی در هر حال، این مسأله ای است مربوط به خود آنها. صلاح مملکت خویش خسروان دانند.

بقیه در صفحه ۹

## بی اعتنادهی به ارتش

یک خلبان ارتش ایران در گفتگویی با روزنامه " کیهان " ( چاپ تهران )، از درگیری خود با جند هوا پیمانی که به قصد بمباران شهری آمده بودند، سخن میگوید. در این گفتگو، ضمن شرحی از مصافی تا برابر، خلبان ایرانی می گوید پیدان علت که سوخت هوا پیمانی او تمام شده بود، تا کزیر دست از ادامه معاف بکشد و بر زمین بنشیند.

بقیه در صفحه ۹

## پیام نوروزی

### دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

بمعل می آوردیم، از اولین روزهای که تروریسم و کورگانگیری، بعنوان وسیله ای در روابط بین المللی تحمیل و معمول شد، با ارائه مدارک غیر قابل انکاری به دنیا گوش زد کردیم که تربیت و تجهیز تروریسم در سایه حکومت اللعیمینی و در داخل مرزهای جمهوری اسلامی صورت می گیرد و بخصوص کشورها را از تن در دادن به خواست تروریست ها و باج خواهان، با ذکر عواقب شوم آن، بر حذر داشتیم.

بقیه در صفحه ۲

خواهران و برادران عزیزم، سالی که گذشت از نظرو قایع و حوادث غیر منتظره و تحولات سیاسی ناشی از آن، سالی برپا ریود، هر چند آرزوی قلبی ملت ایران که آزادی وطن و پایان فتنه، بلاخیز خمینی بود، عملی نگردید، ولی بالاترید رژیم فدا بیانی آخوندها به گور خود نزدیک تر شد. هما نظور که میدانید ما، گذشته از کوشش مداومی که از آغاز سلطه خمینی برای ایران، در زمینه معرفی ذات او و چگونگی حکومتش

## شکار ریشوها در بیروت

بدنبال ورود نیروهای سوری به بیروت، روزنامه گار دین چاپ لندن در شماره روز شنبه ۷ مارس خود نوشت: علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی نیز به خیل انتقاد کنندگان از سیاست سوریه پیوست.

بقیه در صفحه ۴

## از بهشت استنابین

### تا بهشت شد پیوستی

یک نویسنده سوری کتابی خوانندگی در باره روزگار استالین نوشته است. وی در این کتاب می گوید: میلان نظری سوسیالیسم در طی دهه ها جا معده سوسیالیستی را " بهشت روی زمین " قلمداد می کردند، و چون تبلیغات استالینی و نمودمی کرد که سوسیالیسم در جا معده شوروی صورت پذیر شد و تحقق یافته است نتیجه می گرفت که بی بهشت همین جا است که مردم شوروی در آن بسر می برند. ولی واقعیت زندگی در جا معده آن روز سوری همه چیز بود مگر بهشتی.

بقیه در صفحه ۱۱

## ایران گیت

### ادامه داره

ما برای ایران گیت و مسائل مربوط به آن در دو هفته گذشته همچنان در آمریکا و مطبوعات جهان مطرح بود. رونالد ریگان، رئیس جمهوری آمریکا، در یک نطق تلویزیونی که چهارشنبه شب ۴ مارس ایراد کرد، برای نخستین

بقیه در صفحه ۴

بمناسبت ۲۹ اسفند روز ملی نندن نفت

چراغ مروه کجا

شمع آفتاب کجا در صفحه ۷

## تعال نوروزی ما

روز بهران و شب فرقت یار آفرشد  
آن همزاد تو قسم که خزان میفرمود  
سگر ایزد که با قبایل کلا گوشه گل  
صبح آید که بد متکلف پرده غیب  
آن پریشانی شبهای دراز و غم دل  
باورم نیست ز بد عهدی ایام بشنو  
ساقیا لطف نمودی قدحت پریمی با  
که بتدبیر تو تشویش خار آفرشد

در شمار ارجح نیسا و روکی حافظرا

سگرگان محنت بید و شمار آفرشد

بقیه از صفحه ۱

اما این همه نه شگفت آور است و نه چندان غارق العاده، بحسب ازمواردی است که می توان گفت: اگر جز این بودی عجب نمودی.

مگر طبیعت دلالی و سوداگری جز این است؟ تولیدکننده برای آب کردن متاع خود به هر دری میگوید، با هر دستی که پیش آید، خواه دست شیطان و خواه دست فرستاده خدا، بیعت می کند و به هر شگردی که لازم می آید با زاری استن می دهد و با کش نیست اگر در پی هدا دوستی است، مدها هزار آدمیزاد تکه تکه و ذغال شوند، ملتی به عزا بنشینند، کشوری سرتا سر به برهوتی مبدل شود که آن چه با حساب او نمی خواند، حکایت "اخلاق" است. در منطق او "بودن یا نبودن" تنها در مدار سودآوری مصداق پیدا میکنند اگر "سود" متوقف شود، حیات متوقف شده است.

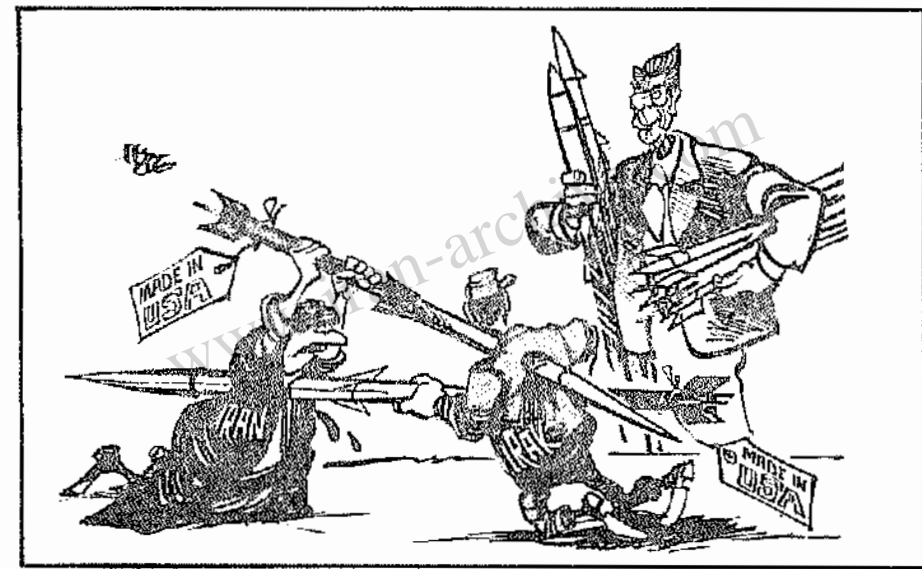
کارخانه ها با بدیدگرددن قوی، ضعف را بیلمند، این روی دست آن و آن روی دست این بلند شود و یکی لقمه دیگری را بقا بدو عرصه را تصرف کند و در این ماجرا گاه تب دستیا بی به منم طلا به درجه ای میرسد که شور و آینه نیز محو میشود و هیچ از کوندی خیالشان هم نمی گذرد که با دست خود دمنی را باد میکنند.

قریب نیم قرن پیش، وقتی را بشتاک به آتش سخته گان نازی فرومی ریخت و زمین زیر پای جانوران سیرا هن سیاه هیتلر سیلرزید، چه بسا از سیاست بازان غرب درخوا ب بودند و چه بسا از شان بیکدیگر تا دبا ش می گفتند که در وجود یک دیوانه زنجیر گسته، باطل السحر بیوشیم را جسته اند، غافل که به ده سال هم نخواهد کشید که غول از شیشه ها خوا هدند و اولین تحفه مرگ را برای خود آنها بسته بندی خوا هد کرد.

تاریخ تکرار میشود ولی گویا کمکی به بیداری نمی کند. میادانی که چهل سال واندی است با بشتاکا رو سو اس، تبیکا ران نازی را رد میگیرند و با میا نند زند (و حق هم دارند)، بی معنا نبود اگر در عین حال چشمها را باز میکردند و میدیدند در دست بهمان سیاق که خالق اردوگا های مرگ و کوره های آدم سوز در آشپز و تبریلینکسا و داخا شو و مای دانک پرورده شد، امروز در ایران مصیبت زده بیک دیوانه خورشید پرور بال میگیرد فقط به این دلیل که در کیسه دلار دارد و دهان سوداگران مسرک را آب می اندازد.

صدایی از درون ایران باید

کالی وارداتی نیست و هیچ دستی جز دست خودی چاره گر نخواهد بود دل سپردن به عنایت غیر، امید بستن به سرباست. حوادث این روزها منطق این اعتقاد را کفایت می کند که متولیان حقوق بشر اگر نه همه، لاقیل گروهی هیچ از آن روضه خوان دغل با زیگر کم نندارد. "حقوق بشر" در قلب آنان در فعل های خاصی عود میکند و در فعل ها ئی چنان خاموشند که گوئی قرن ها است مرده اند. مدهسا انسان را بی محاکمه و حتی بی پرس و جو به رکبا رسل می بندند. آب از آب تکان نمی خورد و آن هنگامی است که بیداری و اعتنا با ب "بازار" نیست.



ملت ها (و تفاهوت نمی کند کوچک بسا بزرگ) آن جوهر توانائی هست که معادله جبر را بر هم زند و پیداست که جوش جنین ایمانی مستلزم غلبه بر تلقین هائی است که اسارت را جسا انداخته است، کاری که بی تردید از توانائی موجوداتی که خود جبر و دنده ای اسارت را جور کرده اند، ساخته نیست. چرا که آنها زندگی را جسر در چپا ردیواروا بستگی نشناخته اند.

۳ - سرانجام، نجات نیایم بسا تکا بوئی است که متاء سفا نه در ا و فاع احوال کنونی، بی تحمل قربانسی و بی حضور در میدان ایثار و جان سازی میسز نیست. مقابله با دشمنی مطرح است که تا دندان مسلح است و در بیسی رحمی و سفاکی مرزی نمی شناسد و با کش نیست اگر برای دوام قسدرت (حتی به روزی) هزاران آدمیزاد را یکجا به کام آتش و مرگ حواله دهد. بی پورده با بدگفت فهم این "نیازها" منحصرأ به مردمانی دست میدهد که بی ارزش های ملی و حقوق ملت و ضرورت دمکراسی واقفند و "طمع" از عطاء اجنبی بریده اند و طبعاً "دنیا را در جثم اندازهای امروزیش مشا هده میکنند. براین حرف آخسر، توضیحی لازم است.

یک با پیش هنوز در چاله بود که بای دیگرش بد جا هر سیده بود. آری مراقبت در این راه، مومنیت از مهلکه است. مولانا عبید در حکایت کوتساره خود چه هوشمندانه این واقعیت را نقل میکند: " درویشی گیوه دریا نما زمی گذارد، دزدی طمع در گیوه ای اوبست، گفت: با گیوه شما زنیاشد، درویش دریا فت و گفت اگر نما زنیاشد، گیوه با شد." این دزد کمین نشسته را ملت ایران ندید و بود و نبود خود را به جنگ او انداخت. این مراقبت، اول قدم در سفر بیروزی است ولی تنها قدم نیست. ملت ایران در کوره بر مصیبت زندگی، وجدان خود را صیقل زده است، بحکم تجربه تا کنون را از کس تمیز میدهد و بدبیرفته است که به بزرگها و نقاب ها اعتماد دنیا ید کرد، آگاه شده است که با بلیس آدمرو فسرا وان است، به چشم خود دیده است که رفته خوان هفت خطی که با یک افسانندی که سال هزاران بار را شک می بارد و اشک میگیرد، در شقاوت و سنگدلی تالی ندارد. اما این همه، همان قدم اول است. نجات تکبیک "اعتماد و بیک" ایمان و سرانجام به "تکا پوئی" نیایزادار که خوا هتا خوا هتا ایثار و فداکاری آمیخته است.

اندر زور و انما می میخوانیم و می شنویم که "قلان" چرا بر نمی خیزد و با در کاب نمیکند - که تاء مل جا بز نیست - که وقت میسوزد - که ملت بی جویان است - که چرا فدا ر می خواهد - که "ساعت موعود" میگذرد. سخن از نغسی " ضرورت رهبری " و "مقام های" نیست که این حاجت ظاهرا تا از بشریت ناموشنا می هست، برجسا خوا هد بود. سخن دریا ره "نگاه" به دنیا و احوالی است که از دنیا ی قبیله ها و روزگار سرداران کشورگشایان است فاصله گرفته است. روزگار ما با روزگار نادرشاه سمعیل و آغا محمدخان بیگانه است که عنصر توانائی از قبیله ای بر - میخاست و اهل قبیله را بحکم تعلقات خاص خود، چشم بسته بدنبال میکشید و سوری می یافت.

بسنظری رسد که در تاریخ های درسی، آنقدر برای ما تاریخ را درو ج - "سرداران" خلاصه کرده اند که گروهی از تحصیل کردگان ما نیز چه بسا در نهایت صدق و دلسوزی، وقتی به راه هجوشی می نشینند معیارهای زمان را کم می کنند، از یاد می برند که به آستانه ی هزاره سوم رسیده ایم و دراک ملی جانتین قوا عقد قبیله ای شده است.

بشکرا ریگوئیم، با برادرسر طلب رهبر و رهبران نیست که این حاجتی بی گفتگو و بی جون و چرا است. حکایت از ایسن است که در این روزگار ظهورها دیور هر به اصول میرانی و احکام قبیله های وابسته نیست. در ذهن آن شیخ زن جورا فساری که در پشت نا در میزید و می تازید هرگز سئوالی از این قبیل نمی روئید که: " نادر را یکجا میبرد؟" جنم بسته و بنا بر حکم قبیله، سرنوشت خود را به سرنوشت او دوخته بود، مسئله نجات ملی، از مسئله قوا عدسربا زخا نه ها و اطاعت کورگورانها زما فوق نیز جداست در این روزگار رعنا صری به کنکره های هدایت ملی راه می یا بسند که در متن زندگی ملی نشو و نما کرده و با آزمایش های بی دریغی توانائی ها و در عین حال تطابق خود را با آرمان های ملی نشان داده اند. عمر ما عمری نیست که دیدیم را با لای شکم ما در بار داری بسا ویزند و در انتظار تولد "رهبر" روزماری کنند، عصر ما عصری است که رهبران با یدر کوره های سخت آزمایش قابلیت های خود را به مردم تزریق کنند و تصدیق ملی را بدست آورند و این امری نیست که به تصنع و دلخواه این و آن واگذا شود و خلاصه زما نسیه ای است که گرهی بدندان نسا در قلسی ها گشوده نخواهد شد.

در د بزرگ ملی در سالیای بیش از طوفان مرگ این بود که مطالباتی داشتیم سا زگار با عوالم امروز آزادی و عدالت میخواستیم ولی از هزاران طلب یعنی " فرهنگ شخصی " محروم بودیم. تا کسی چون خمینی ظاهر شد و طلب ملی را بسا شعاری دلپذیر ملی قا پید و آنچه نیاید روی دهد، روی داد. در حال و هوای امروز که مردم به مقیاس بزرگی (متاء سفا نسه بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

متأسفانه سفاکانه دولتمردانی که بایستی مسئولیت خود را در برابر این پدیده توطئه‌سور و خطرناک بدرستی تشخیص می دادند، به علت عدم درک واقعیات و بی‌ملاحظاتی اشتباهاتی و غیره، بی‌محابا قدم در این راهی اشتباه گذاشتند. اما دیری نگذشت که به قیمت پرداختن تاوان گزاف ضعف و سادگی خود، بروی واقعیت تلخ چشم گشودند و به روشنی دانستند با حکومتی که قدرتش را در داخل برپایه‌های اختناق و سرکوبی قرار داده است و در خارج از مرزها، از تروریسم و گروگان‌گیری بعنوان وسیله عادی پیشبرد اهدافی آشوبگرانه و توسعه طلبانه‌اش استفاده می‌کند، به هیچ عنوان نمی‌توان کنار آمد.

نتیجه آنکه امروز حکومت ملایان، گذشته از گرفتاری مشکلات عظیم داخلی حاصل از جنگ و نا توانی در مقابل مسائلی اقتصادی و اجتماعی جا معده جنگ زده در صحنه بین المللی از همیشه منزوی تر و منفورتر است به طوری که حتی سران دو سه کشور کم‌اعتباری که به اقتضای وقت و بجا طرمنافع خاصی، دم‌زاتحاد دوستی با جمهوری اسلامی می‌زدند، برای حفظ موقعیت خود، یکی بعد از دیگری، از آن فاصله می‌گیرند.

به پیمانهای آقای خمینی و سران رژیم که به ضرب و زور و دیوانه‌لویزیون به‌کوش و چشم شما تحمیل می‌کنند، کمی دست کشید. آنچه پیش از هر چیز در این پیمانها می‌آید و به فراتر تکرار می‌شود، لاف شبات و استحکام رژیم است. آیا یک رژیم ناست و مستحکم محتاج این همه تآکید

پیام نوروزی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

مگر راست؟ تصور نمی‌کنم لازم باشد به شما، ملت هوسمندا ایران، یادآوری کنم که منظور از این اصرار و ابرام، از یک طرف تقویت روحیه آبیادی حکومت است که در برابر گروه مشکلات و مقاومت پایداری اکثریت مردم، با یه‌های قدرت خود را متزلزل می‌بینند، و از طرف دیگر مقصود، تضعیف روحیه شماست که از نیروی قطع امیدکنید و دست از مقاومت و مبارزه بردارید.

هموطنان عزیزم، در این لحظات که سالی دیگر هم‌چنان در میان غرش توپها و باهول و انفجار بمباران و بمبارانها، شروع می‌کنید، خود را بیش از همیشه به شما نزدیک احساس می‌کنم. آنی از یاد شما ورنجه‌ها و دردها بی‌تان و چاره‌جویی برای رفع آنها، غافل نیستم. می‌خواهم به شما توصیه کنم که سال را با اراده، راسخ مبارزه با جنگ آغاز کنید و بیاد شته با شید که جنگ، شیشه عمر رژیم است. مبارزه با جنگ مبارزه با حکومت جهنمی آخوندها است. آقای خمینی و اعوان و انصارش در طول این سالها که مدتها هوار جوان و نوجوان ایرانی در سرزمین بیگانه به خاک و خون غلتیده اند و شهرهای آباد ما به ویرانه‌هائی تبدیل شده است، بارها گفته اند و تکرار کرده اند که جنگ، نعمت و برکت است. من از نعمت سواستفاده‌هایی که دست‌اندرکاران

فاسد رژیم در معامله‌های قاچاق اسلحه کرده اند و سرا آنها به مرور فاش می‌شود می‌گذرم، چون نعمت انسانی جای دیگری است: نعمت عمده، بقای رژیم است که از برکت جنگ بوده است. نعمت برای آنهاست که از برکت جنگ حکومتشان دوام گرفته است، نعمت حکمرانی برای آنها و آتش و خون و عزای عزیزان و قحطی و بی‌کاری برای شماست. به قوت اراده و تصمیم، نعمت و برکت جنگ را از آنها بگیریم تا چراغ وجود منوشتان خاموش شود.

بخصوص از شما می‌خواهم که تگسندارید آخوندهای حاکم سلخ امیدوار شده به آینده روشن را از شما بگیرند و عزم شما را در مبارزه دست‌کنند. آنها در برابر اراده شما چیزی نیستند. بهترین شا هدزبونی رژیم در مقابلها خواست ملت، با برجائی سنت باستانی نوروز است. به حافظه خود رجوع کنید و بیاد ویرید که در آغاز جنگ که بهانه جنگ هم نبود ملایان حاکم تمام کوش خود را مصروف تخفیف و تحقیر عید نوروز و با زدا شدن شما از بزرگداشت این سنت ملی می‌کردند، آن را جشن کافران و اجنبیان و آتش پرستان می‌خواندند. ولی در مقابل اراده و عزم استوار شما به حفظ آداب و سنت‌های ملی، با مذلت عقب نشستند. ناآخا که امروز خمینی و سران حکومتش، خودشان، به مناسبت نوروز - هر چند بدون ذکر نام نوروز به عنوان آغاز

چندمین بیا را انقلاب - به شما پیام می‌فرستند.

من به شما اطمینان می‌دهم، که عموماً نکتت با جمهوری اسلامی روبه‌سایبان است. دل قوی دارید و به فرزندان خود یادآوری کنید که ملت ایران در طول تاریخ توان‌های حوادث بسیاری را از سرگذرانده و هربا رجون نوروز تا بنده، از اعماق شب‌سایه و سرد زمستانی سر بر آورده است.

ما را در این مبارزه که به مراحل نهایی نزدیک می‌شود بیادری دهید و بیاد شته با شید که ما، در عین اینکه میدانیم شما دگی امروز محبت بین المللی در موفقیتتان مؤثر خواهد بود، چشم امید برای نجات کشورمان به دست‌های سخا و تمند خا رچی ندوخته ایم و هیچگاه، نه آن موقع که خمینی، آمد و شوشه دلان قاچاق اسلحه را به حساب قدر و اعتبار و قوت و قدرت رژیم می‌گذاشت و بسیاری به این ملاحظه خود را سخت باخته بودند، و نه امروز که دنیا به بروی واقعیت چشم با ز کرده و یک بسیج عمومی جهانی برای مقاومت در برابر بردولت‌های تروریست پرور در شرف انجام است، هیچگاه در مبارزه با این رژیم فدا ایرانی تودیدی به‌خسود را نداده ایم و تا حصول نتیجه، یعنی آزادی ایران، التیام زخمها و فایزات حکومت آخوندی و برقراری رژیم انسانی بر اساس حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی، لحظه‌ای از بی‌انصوابییم نشست.

نوروز ما پیروز باد.

ایران هرگز نخواهد مرد.

نوروز ۱۳۶۶

صدایی از درون ایران باید

بقیه از صفحه ۲

به بیانی سنگین ( به آگاهی های بسیار دست یافته اند، حکم سرنوشته منحصر " در صحنه های درون مرزی رقم خواهد خورد که البته این به معنای نفی تلاش های بیرون مرزی نیست بلکه تنها به مفهوم ضرورت سنگین و سنگین تر ساختن وزن مبارزات ملی در میدان اصلی یعنی ایران است. در این شرایط آن عنصر رهبری که نگاه را از عنایت اجنبی کننده و برارزش‌ها و توانا ثیهای ملت نشانداده است، میدانند که جلال مشکل، " بسیج آگاهانه " ملت است. میدانند که عا مل کار ساز در ایران است، میدانند که اگر ملت با یک سازماندهی هوشیارانه ظرفیت های خود را تشخیص دهد و ملتان " در میدان ظاهر شود همسان اجنبی بسند با زحما بگر سود جو متقا و مت ملی را تا ب نخواد و در واد این واقعیتی است که در همین سالهای جاری، این جا و آنجا با رها و بارها تجربه شده است.

بسیج و تجمع را با خود داده و در برابر این محرکه ای جنایت و خون و آنگ با بیض و نقرت ایستاده است. آنچه لازم است " سازمان هدایتی " است که این بیغ و نقرت را به بار آورده و حرکت مبدل میکند و این امری نیست که از عهدی تا دره‌ها برآید تا قبیلدای را چشم بسته به دنبال کنند و چون به جا دهنای کنا ررو نشد، جوش ها دوباره سرد شوند. حکایت، حکایت " یک ملت " است که در زیر پتک حوادث هر چه زد دست داده، وجدان و قدرت تمیز خود را با زیافته است. رهبری آزموده و امروز میدانند که گساری بدانگونه سازا و راست که در فاش مبارزه در معوق ملت برافراشته بهمانه اینکه وقتی یکی فرو افتاد دهنه چیز فرو افتد. فلسفه ای سرد ما زمان یا فته را در این نکته با بدخواهد.

با این حساب، بخلاف آنچه بعضی تبلیغ کرده اند، فصل انتقال همه فرمت ها و امکانات به سازمان دهی درون مرزی همین حالا است. و البته از این پس دیر خواهد شد اگر تا خیری روی دهد و چرا حالا؟ سالها بی از این ۸ سال سیاه دشمن

بفریب و دروغ، بسی از مردم را در دام خود حبس کرده بود. هنوز هم بیاد از قلیتی گفت که با همه شیر بهختی ها ظلم شده باقی مانده اند و بهر حال زمان، اثر خود را گذاشته و پورده های نیرنگ را یکی پس از دیگری دریده است. امروز اکثریت قاطع ملت ( و قریب به اتفاق ) جوهرسازان با ک این رژیم را شناخته است. حساب است که حساب میکند که اگر نجنبید، پاک باخته است و حالا است که این احساس با بد به تصمیم و قدرت بدل شود و حالا است که دیگر تآخیر روا نیست. بی‌دیریم که اگر صدای از درون ایران بگوش رسد، توطئه ها درهم خواهد شکست و قبول کنیم که هیچ تظا هر حرکتی جا بتزین تظا هسرو حرکتی نیست که در قلب میدان میجوئد و از تسلیمنا بذیری روا بیت میکند. در این باره هنوز نا گفته بسیار است.



هم‌میهنان عزیز، هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد. ۴۰۵-۹۰-۴۰۵ پاریس

تهدید تروریستی

با زمان تروریستی عدالت انقلابی لبنان، سید شیب، چهار دهه ما رس اعلام کرد که "ان لویی نورماندن"، گروگان‌فرانسوی را به سخا گه‌گسیده است و حکم عدا موی را چهل و هشت ساعت دیگر ما درخواهد کرد. بیش از آن، سنجش به دو دهه ما رس، این با زمان انما مبحث کرد و بدو دهه که گز طرف چیل و هشت ساعت از ک سیرا که، نخست وزیر فرانس، دربار به مقبوم سخنان فرانسوا میتران، رئیس جمهوری این کشور، مبتنی بر ادا مه تسلیم عراقی و خودداری از مقابله با تروریسم و دولت های تروریست پرور، توفیح ندهد، نورماندن، سورسرد از تلویزیون کانال دو فرانس را اعلام انقلابی خواهد کرد. دولت فرانس در پاسخ به اتمام مبحث با زمان یا دهنه، ضمن تآکید بر ادا مه، بیادست عدالت تروریستی خود، با قاطعیت و بیستکارا زمان عدالت انقلابی خواست از گسستن "نورماندن" خود را ری کند و همزمان بسرت تالاس های دیپلما تیک خود در تهران، دمشق و بیروت افزود. دوشنبه ۱۶ ما رس همزمان با بسته شدن آخرین صفحات قیام ایران، گزارش رسد که شیخ محمد حسین فضل الله، رهبر روحانی حزب الله لبنان با زمان انقلابی را از گسستن "نورماندن" سرگذردا شد و گفت بی کنا ها ن نباید و آن اختلاف های میان دو کشور را ببرد و زند، در این میان، "ان سیرسون مان" وزیر پستی - آموزش و پرورش از حزب سوسیالیست فرانسه، کفا گرانغافنی برای "نورماندن" رخ دهد، رژیم تهران را با بد مسئول دانست و "میشل دبره"، نخست وزیر پیشین و نماینده مجلس ملی فرانسه اعلام کرد که اگر نورماندن بدقتل رسد، فرانس به بیادستی درنگ و ابطن را با رژیم تهران قطع کند.

### ایران و خاور میانه



### در مطبوعات بین المللی

## شکار ریشوها در بیروت

بقیه از صفحه ۱

به نوشته گاردین با زکنت ارتش سوریه به بیروت و به ویژه کنترا رحد اقل ۲۳ تن از حزب الهی های هوا دار رژیم شمران، سبب شش تا زه ای در روابط تقریباً تیره دو کشور شده است.

خامنه ای در سخنرانی نماز جمعه روز ۶ مارس، ما ننندیدیم مقامات رژیم تهران کوشید تا حافظ اسد و حزب بعث سوریه را از ماجرای مبری سازد. وی گفت ما اعتقاد داریم که عمل چند سربا زسوری ربطی به دولت سوریه ندارد بلکه یک تصمیم فردی است. اما نگرانی ما از آن است که این حوادث همیشه سوریه را که همواره در خطوط مقدم جبهه در مقابل صهیونیست ها ایستاده است مخدوش کند و از اعتبار سیاسی سوریه بکاهد. از همین روست جمهوری اسلامی از سوریه خواسته است تا عاملان کشتار را به مجازات برساند. خامنه ای گفت: این حزب الهی بود که اخیراً کاری ترین ضربه ها را به نیروهای صهیونیستی و استکباری وارد آورد.

وی با اشاره به این که گویا سوریه در نظر دارنده نیروهای هوا دار جمهوری اسلامی را خلع سلاح کند و تا آنجا پیش رود که منطقه را از وجود آنان پاکسازی کند.

بقیه از صفحه ۱

با پذیرفتن که تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی به منظور تاءمین آزادی گروگانها بوده است و این عمل را یک خطب نامید. ریگان در نطق خود را ردیگرتا کیدورزید که در جریان انتقال وجوه دریا فنی از جمهوری اسلامی به فدا انقلاب نیکا را گوشه نبوده است، اما به عنوان رئیس جمهور جمهوری همه مسئولیت آن را بر عهده گرفت. رئیس جمهوری آمریکا تعهد کرد که برای رفع بحران اعتمادی که از سه ماه پیش، ریاست جمهوری وی را بشدت تهدید میکند، به یک سلسله اصلاحات و به رفت و روب در کاخ سفید دست بزند و ششم جدیدی به ریاست "هوار دبیکر" را در کاخ سفید به کارگماشته است.

ریگان که به گزارشی انتقالی میسر هفت روز بیشتر انتشار یافته بود، به طرز غیر مستقیم پذیرفت که اشتباه از خود وی ناشی شده است، اما به رغم تومیس "رایزنان خود از ولت آمریکا پسوزش نخواست.

"رونالد ریگان" در نطق خود تمسبیق کرد که نگرانی اش برای سرنوشت

گفت: "زمزمه خلع سلاح نیروهای مؤمن در بیروت غربی یا ناحیه جنوبی که این برادرها بیستدر آنجا هستند، زمزمه خطرناکی است. اگر سلاح را از دست این جوانان مؤمن و مبارز لبنان بگیری، در مقابل اسرائیل چنانچه حمله کرد چه کسی دفاع خواهد کرد؟" روزنامه گاردین که بخش هایی از خطبه نماز جمعه خامنه ای را نقل کرده است، نوشت: با پیداست که همه نهاد های درون خاکمیت اسلامی تا این حد محتاطانه سخن نگفته اند. روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب جمهوری اسلامی، به سوریسه هشدار داد که بهتر است دوباره به ایمن واقعیت بیندیشد که چرا تا دیروز آمریکا و اسرائیل میخواستند سوریه نیروهای



پاک سازی بیروت از تصویب های خمینی: یک کارگر لبنانی، روی یکی از نما ویر خمینی را که آتش زکلوله بر آن دیسیده می شود، با رنگ می بوساند.

خود را از لبنان بیرون کنند و امروز برای حضور نیروهای سوری در لبنان کسوف میزنند.

علت آن است که آمریکا و اسرائیل میخواهند سوریه را از راه راست منحرف کنند و به اردوگاه ارتجاع بکشانند.

این روزنامه و نیز گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر آنند که باید احاسات جمهوری اسلامی را به سوریه تفهیم کرد و معتقدند سکوت و زارت خارجه جمهوری اسلامی، در میان گروه های پیشرو و صهیونیست منطقه دلسردی ایجاد کرده است.

در میان انتقاد دانشگدان از سوریسه، مهدوی کنی، نخست وزیر سابق جمهوری اسلامی که اکنون دبیرجا معروفا نیست میا رزاست قریباً دیلندتری دارد. وی با اشاره به گذشته شدن ۲۳ حزب الهی گفت: این شهادت دردناک دل مسلمانان جهان را خون کرد. آیا حزب الهی نبود که اسطوره قدرت غرب را درهم شکست و ملانین جنگی پشنگون را خرد کرد؟

از سوی دیگر عصر جمعه ۶ مارس، علی اکبر محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی و سفیر پیشین رژیم تهران در سوریه، او را دمشق شدمورد استقبالی محمد نباش وزیر کشور سوریه و حجت الاسلام محمد حسن اختری سفیر فعلی جمهوری اسلامی در دمشق تسرار گرفت. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، محتشمی بدنبال دیدار سه روزه خود از دمشق اعلام کرد که در ملاقات روز یکشنبه خود با حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، درباره مسائل لبنان نیویوزه وضعیت حزب الله مذاکره کرده است.

محتشمی گفت انگیزه سفرش به بیابیت سوریه جنگ در اردوگاه های فلسطین و زده خورد های شدیداً جزا ب رقیب در بیروت بود که به اجرای طرح های امنیتی سوریه و قتل گروهی از مبارزان حزب الهی منجر بقیه در صفحه ۱

ما برای ایران گیت را بر عهده دارد چند عضو سابق دولت ریگان را که به احتمال فراوان پوین دکستر و الیور نورث هستند، تحت تعقیب قرار دهد. در ایمن میان، مورین ریگان، دختر برزید نیست ریگان که ریاست کمیته اجرائی حزب جمهوریخواه را بر عهده دارد طی یک مسامحه مطبوعاتی در کاخ سفید اعلام کرد که دریا دار پوین دکسترو سرهنگ نورث چون نظامی هستند که به فرمانده کل قوا، یعنی رئیس جمهوری آمریکا، دروغ گفته اند باید محاکمه شوند.

اما به رغم اظهارات مورین ریگان، روزنامه واشنگتن پست نوشت که دریا دار پوین دکستر سال گذشته دوبار برزیدنت ریگان را از اجرائی ارسال بولیهی حاصل از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی برای شورشیان نیکا را گوشه آگاه ساخت. از سوی دیگر عدنان قاشقی میلیاردر سعودی، طی مصاحبه ای با هفته نامه اشترن اظهار داشت که قرار بود بخشی از سود ناشی از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به حساب "میانرو" های رژیم

مستقلی که ما موریت تحقیق پیرامون

بقیه در صفحه ۱۱

## ایران گیت ادامه دارد

خود درس میگیرد و کارها را سامان میبخشد. رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۹ مارس از کمیسیون تحقیق مجلس سنای آمریکا خواست که با اعطای مصونیت حقوقی محدود به دریا دار پوین دکستر و سرهنگ الیور نورث اعضاء متعفی و اخراجی شورای ملی امنیت آمریکا که تا ملاقات اصلی اجرائی فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی هستند، آنها را حاضرین ادای شهادت کنند تا نکات تاریک ما برای ایران گیت روشن شود.

ریگان اضافه کرد حتماً چه شواهدی خارج از چهار چوب شهادت پوین دکسترو نورث علیه آنان بدست آید تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

روژنا مینیویورک تا بجز نیز نوشت که ممکن است "لارنس والش" دادستان مستقلی که ما موریت تحقیق پیرامون

گروگان های آمریکائی، نیروی بینا نشانی را سلب کرد و مانع از آن شد که اعمال نزدیکان و معارم خود را در کاخ سفید، از نزدیک کنترل کند. ریگان گفت در این مورد ویژه، سبک مدیریت اش که در گذشته کارآئی و کسار سازی خود را نشان داده بود، ما به ناکامی وی شده است.

ریگان که رسانه های آمریکائی بارها به ضعف حافظه شان اشاره کرده اند، همچنین پذیرفت که به یاد ندارد آیا

صورت نخستین محموله جنگ افزارا زسوی اسرائیل به جمهوری اسلامی را که در پایان سال ۱۹۸۵ انجام گرفت، قبل از این تاریخ تایید کرده است یا بعد از آن.

بقیه از صفحه ۴

## شکار ریشوها در بیروت

ند. وی افزود که رئیس جمهوری سوریه به او اطمینان داده است که ما جرایم قتل ۲۳ حزب الهی امری تمام شده است و دولت سوریه عملیات ضد امپریالیستی و صهیونیستی حزب الله را بدیده تحسین می نکند.

محتشمی همچنین ادعا کرد که حافظ اسد نیز در مورد لزوم مسلح باقی ماندن حزب الله برای جنگ با اسرائیل با وی هم عقیده است.

منابع سوری تاکنون در باره موضوع مذاکرات محتشمی با حافظ اسد اظهار نظر نکرده اند. محتشمی بدنبال علی اکبر ولایتی وزیر خارجه و محسن رفیق دوست وزیر سیاه پاداران، سومین وزیر رژیم تهران بود که پس از استقرار نیروهای امنیتی سوریه در بیروت غربی، به این کشور سفر کرد.

از سوی دیگر همزمان با تنش که در روابط تهران و دمشق به وجود آمده است، جمهوری اسلامی روابط خود را با لبنان که از ۴ سال پیش در سطح کار راهبردی به سطح سفیر ارتقاء داده است، مجدداً تجدید می نماید. سفیر جدید رژیم جمهوری اسلامی در لبنان

صبر دعوت کرد و اظهار داشت جمهوری اسلامی تمامی روزنامه ها و همچنین رادیو خود را در اختیار حزب الله قرار می دهد.

\*\*\*

رئیس جمهوری سوریه، روز یکشنبه ۸ مارس برای نخستین بار در باره ورود نیروهای سوریه به بیروت علناً اظهار نظر کرد. حافظ اسد اعلام کرد هدف از دخالت سوریه در بیروت بازگرداندن وضع عادی به لبنان است.

اسد که به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد به قدرت رسیدن حزب بعث سوریه، در دانشگاه دمشق سخن می گفت، اظهار داشت: "دخالت سوریه در بیروت غربی با سخنها و موریتهای انسانیت و برادرانه است که هدف آن برقراری امنیت و بازگرداندن زندگی عادی است."

حافظ اسد افزود: "مادرین حال از این که باره ای اشخاص در خارج از لبنان از

از بسیاری نشانه ها چنین برمی آید که رژیم خمینی به ایران لبنان نمی خواهد. آنها نه تنها است که در برابر ارتش سوریه را دارند، منتظر کمک تهران

این دلیلی روشن دارد، سوریه تنها مهترین همیمان رژیم تهران است، بلکه هر چند از روی مصلحت، یگانه همیمان است که به آن در جنگ علیه عراق کمک های بسیار رسانده است. و اکنون رژیم تهران، که ظاهراً سیاست خارجی آن را با دید ملاحظاتی عقیدتی تعیین کند، سبک سنگین کرده و سنجیده است که همدلی با حزب الله و یاری عملی به آن، به قیمت از دست دادن سوریه یا درگیر شدن با آن نمی آرد.

از سوی دیگر حافظ اسد، به لحاظی که جای هیچ سو تفاهتی باقی نمی گذارد، به رژیم تهران فهمانده است که هیچ علقه ای ندارد و نفوذ خود را در لبنان با تلاش تقسیم کند. البته برای نخستین بار نیست که حافظ اسد تعلق خود را به عربیت روز می دهد، ولی تا کید او "وحدت، تمامیت و عربیت" لبنان فقط می تواند جمهوری اسلامی را نشان گرفته باشد. برای اینکه هیچ نیروی جز رژیم اسلامی نیست که می خواهد وحدت، تمامیت و عربیت لبنان را به خطر اندازد.

درخور توجه است که حافظ اسد بر همه چیز لبنان تا کید می کند جز برای سلامی بودن آن، حال آن که کارگزاران رژیم تهران جز برای سلامی کردن لبنان، آنگاه همان نوعی که اکنون در ایران وجود دارد، اصراری ندارند.

لبنان، چنان که تقریباً همیشه سیاستمداران آن می گویند، به سبک آراش سراسری نباشد، از آنرو در آینده ای درخور پیش بینی خلع سلاح حزب الله با پدر همه جای آن عملی شود.

روز شنبه ۷ مارس همراه با هیئت مسئران از آیت الله احمد جنتی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو مجلس خبرگان، علی غیوری نماینده خمینی و حجت الاسلام حسن ابراهیمی نماینده حسینعلی منتظری وارد بیروت شدند. سوی حزب اللهی های لبنان مسود استقبال قرار گرفت. یکی از رهبران مذهبی حزب الله لبنان که گویندگی مراسم استقبال را بر عهده داشت ورود این هیئت را تاریخی خواند و آن را به مراسم ورود خمینی به ایران تشبیه کرد. به گزارش خبرنگاری فرانسه حزب الله لبنان طی بیانیه ای که روز یکشنبه ۸ مارس منتشر کرد اعلام داشت که آیت الله احمد جنتی اطمینان داده است که جمهوری اسلامی به حمایت خود از حزب الله ادامه خواهد داد. جنتی طی یک سخنرانی در مسجد امام رضا واقع در حومه جنوبی بیروت بنیادگرایان لبنانی را به

## خمینی زدایی

تفنگ وریش نشانی و تصویرهای آیت الله خمینی آیا یک روی هم آنگاه است که محدودیت برای ساکنان غرب بیروت روی دیگر آن است، جواب می دادند که نه، مردم به میل خود به این شیوه زندگی تن در داده اند، و این حال را جدا رند گویند در حالی که می بینند با برچیده شدن زور حزب اللهی، آن رفتار ناگهان صدها تن در چه تغییر جهت داده است؟

البته اگر با زوی مسلح رژیم دمشق با زوی مسلح حزب الله را نمی شکست، این رها می میسر نمی شد.

جمهوری اسلامی البته هنوز چنان که باید به روی خود نمی آورد که بر برادران ایما نیش در لبنان چسبده اند می گذرد. شاید از جمله بدین سبب باشد که درست همزمان با دگرگونیهای که در جهت ناتوان شدن حزب الله در بیروت است، مناسبات خود را با لبنان به سطح سفیر ارتقاء داده است، حال آنکه معمولاً در چنین مواردی سطح مناسبات کاهش داده می شود.

هنوز ما مداران رژیم تهران می گویند که کشتار ۲۳ حزب الهی برنا ماهی تدوین شده از سوی رژیم دمشق نبوده است و بدین ترتیب می خواهند اهمیت قضیه بکاوند. درست است که دمشق از پیش برنا مریزی نکرده بود که ۲۳ حزب الهی را در غرب بیروت بکشد، ولی برنا مریزی کرده بود که هر مقامی را از سوی حزب الله به قدرت اسلحه دردم شکند، و چنین نیز کرد. به رغم همه اعلام همدلیها و همدردیهای زبانی رژیم تهران با حزب الله لبنان،

تصویرهای آیت الله خمینی که به تصویرهای غرب بیروت نقش زد، زنان در حجاب رفتند، اکنون که دیوارهای غرب بیروت از آن نقش ها پاک می شود، زنان از حجاب در آمده اند، با زاریش که رونق داشت، دوباره کساد شده است، با زاریش ترافی که از رونق افتاده بود، دوباره گرمی یافته است. ساکنان غرب بیروت می گویند که در این چند سالی که حزب الله مسلط بر صحنه بود، زندگی عادی نداشته اند، این فقط تفنگهای بردوش حزب اللهی ها نبود که زندگی را بر مردم غرب بیروت تلخ کرده بود. و گرنه تفنگ بردوش سربازان سوری نیز هست. بلکه هدفی که تفنگها به سوی آن نشان می رفتند، باعث شده بود که زندگی از مسیر عادی خارج گردد. حزب الله تفنگش را به سوی آزادیهای خصوصی مردم نیز نشاند، نه رفاه بود و به آنها دستور می داد که بکنند و چه نکنند، چه بیوشند و چه نشوند، چه بیاشامند و چه نیاشامند. بی آن تفنگها دستا بی با این منظورها امکان پذیر نبود. و اکنون که این زور از لای سرم مردم برداشته شده است، معلوم میشود که آن "اخلاق اسلامی" که تبلیغات رژیم تهران و آخوندهای شیعه لبنان اینهمه از آن سخن می گویند، برای انبیا خود تنها چنانچه به سر تیغ و تفنگ نباشد زدارد. از این حیث غرب بیروت با تهران و اصفا ن و تبریز یا شیراز و کرمانشاها هر جای دیگری در ایران هیچ تفاوتی نداشته است. اگر پیش از خلع سلاح حزب الهی ها به وسیله سوریه، از آنها می پرسیدی که

ورود نیروهای سوری به بیروت ابراز نگرانی کرده اند. ندمتاً سفیم. علت نگرانی آنها عدم موفقیتشان در اجرای نقشه های مشکوکشان بوده است.

"سوریه نگران وحدت لبنان، عربیت آن و تمامیت ارضی این کشور است. وحدت ملی تنها راه حل مسائل لبنان است و این راه حل با پیدا زبانی لبنانی ها تعیین شود."

وی در جای دیگر از سخنرانی خود بار دیگر تا کید کرد که سوریه به پشتیبان تمام لبنانی های است که به وحدت و عربیت لبنان پای بندند.

حافظ اسد همچنین گفت به هیچ عنوان بین منافع سوریه و این که لبنان نقش عربی و بین المللی خود را با زیاده تغذیه وجود ندارد.

در این حال به نوشته مطبوعات بین المللی و گزارش های حزب اللهی های لبنان، سوریه فشار خود را بر بنیادگرایان اسلامی افزایش داده است.

هفته نامه "الاحد" یکی از نشریات حزب الله لبنان که انتشار آن از سوی نیروهای سوری ممنوع اعلام شد و لسی مخفیانه منتشر میشود در شماره روز جمعه ۶ مارس خود بشدت از سوریه انتقاد کرد و نوشت: نیروهای سوری در مرحله مسلمان

نشین غرب بیروت مردان ریشووزنایی را که حجاب اسلامی دارند و هر کسی را که نسخه ای از مجله "الاحد" همراه داشته باشد، دستگیر میکنند. "الاحد" اظهار تعجب کرد که نیروهای سوری بجای برقراری نظم و امنیت در غرب بیروت چرا با زبین بردن نهادهای اسلامی برداشته اند. سوریه علاوه بر مجله "الاحد" انتشار مجله "الشراع" و یک نشریه دیگر حزب اللهی را نیز ممنوع ساخته است.

از سوی دیگر کارگزاران خبرگزاری فرانسه از روز یکشنبه ۸ مارس در بیروت غربی با کسانی دیوارها را زعکس های خمینی و دیگر رهبران حزب الله و شعرا رهسای آنها آغا زد.

در این حال "امین جمیل" رئیس جمهوری لبنان طی تلگراف تبریکی که به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد رسیدن حزب بعث سوریه برای حافظ اسد مخابره کرد از کمکهای سوریه ابراز رضایت و خرسندی کرد.

\*\*\*

به گزارش خبرنگاری فرانسه، بنیادگرایان اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی از روز یکشنبه ۸ مارس، لحن خود را نسبت به سوریه خشن تر کردند و هشدار دادند که نیروهای سوری حق ورود به حومه شیعه نشین جنوب بیروت را ندارند. آیت الله عمید زنجانی عضو هیئت همراه سفیر جدید جمهوری اسلامی در لبنان، نیز روز یکشنبه در نطقی که در شهر "مسور" در مراسم یادگرفته شدن ۲۳ حزب الهی ابراز کرد گفت: "ما بخوبی به نقشه های سوریه و امپریالیسم آگاه هستیم، ما نمی خواهیم زردارانتقا جویی وارد شویم."

# هدیه نوروزی:

## فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

# از نوروز تا ماه خرداد

### حکایت اندر معنی دیدن آمدن شراب

اندر تواریخ نیشته اند که به هرات پادشاهی بود که مگار و فرمان روا، با کج و خواسته، بسیار، ولشگری بی شمار، و همه خراسان در زیر فرمان او بود، او زخویشان جمشید بود، نام او شمیران، او بین دز شمیران کی پسر است، و هنوز پرجاست، آبا دان او کزده است، او و پسرش بود، نام او با دام، سخت دلبر و مردانه و با زور بود، و در آن روزگار تیراندازی چون او نبود، مگر ( = شاید ) روزی شاه شمیران بر منظره نشست بود، و بزرگان پیش او، و پسرش با دام پیش پدر، قضا را همایی بیامد و با سنگ میداشت، و برادرش تخت، پاره ای دورتر، بریز آمد و زمین نشست، شاه شمیران نگاه کرد ما را دید در گذردن همای بیجیده و سرش در آویخته، و آهنگ آن سیکرد که همای را بگذرد، شاه شمیران گفت: ای شیر مردان این همای را از دست این ما رکه برها و دوتیری به سحاب بیندازد؟ با دام گفت ای ملک کار بنده است، تیری بیندازد چنانکه سر ما در زمین بدوخت و به همای هیچ گزندی نرسید، همای خلاص یافت و زمانی آنجا می پرید و برقت، قضا را سال دیگر همین روز شاه شمیران بر منظره نشست بود، آن همای بیامد و بر سر ایشان می پرید و پس بر زمین آمد، همای که ما را تیر زده بود چیزی از منقار بر زمین نهد، و با سنگی چند بگرد و برید و شاه نگاه کرد و آن همای را دید، با جامه ت گفت بنده ای این همای است که ما او را از دست آن ما برها ندیدیم، و آهنگ به ما گفت با آن با زاده است و ما را تحفه داده، و آهنگ منقار بر زمین میزند، بروید و بگریید و آنچه بیاید بیاید، دوسه کس بر رفتند و بجملگی دوسه دانه دیدند، آنجا نهد، برودا شدند و پیش تخت شاه شمیران آوردند، شاه نگاه کرد، دانه ای سخت دید، دانه ای را در کفان را بخواند، و آن دانه ها بدینان نمود، و گفت ههسا این دانه ها را بما به تحفه آورده است، چه می بینید اندر این؟ ما را با این دانه ها چه می باید کردن؟ متفق شدند که این را بیاید کشت و سنگ نگاه داشت تا آخر سال چه بدیدار آید، پس شاه تخم را به ما غسان خوش داد و گفت در گوشه ای بکار، و گرداگرد او پرچین کن تا چاه را اندر او آهنگ آید، و از مرغان نگاهدار، و به وقت احوال او مرا مینماید، پس با غسان همچین کرد، نوروز ماه بود، بگنجندی برآمد، شاه خکی از این تخمها بر جسته، با غسان پادشاه را خبر کرد، شاه بزرگان و دانه های بر سر آن نهاد، گشتند چنانچه این تخمها بزرگ شده، و از غسان با زکشتند، چون مدتی برآید شاه غسان بسیار رشید، بلکها ( = برکها ) بهین گشت، و خوشه خوشه بمشال کا و زین را و در آویخت، با غسان نزدیک شاه آمد، و گفت در باغ هیچ درختی از این خرمتر نیست، شاه در گریب او را دانه ایان بدیدار درخت شد، و آن خوشه ها از او در آویخته، و گفت بما دانه صبریا بسد کرد تا همه درختان را بر ( = میوه ) برسد تا کرا این درخت چگونه شود، چون خوشه بزرگ کرد، و دانه های غوره به کمال رسید، همه دست بدوختا رستند کرد، تا خریف ( = با بیسن ) در آمد، و میوه ها چون سیب و آبرود ( = گلایی ) و شغالو و نا روما نند آن در رسید، شاه به باغ آمد، درخت انگور دید چون عروس آراسته، خوشه های دققیقی و غلایان و نا فلانهای هم در باغ ساختن مو لف آن، و احوال و آثار روزگار زندگی وی در گرفته است که جای طرح آن ها در این گفتار نیست، یکی از آخرین نظرها می هم داده شده این است که غیام خود را دادا شده های برای تا لیف رساله ای به نام نوروز نامه تهیه کرده اما مرکز فرستادین آن ها را نیافته است و پس از مرگ او دیگری این یاد داشت ها را تنظیم و تدوین کرده و از زمین روی آن را از قول "خواجه حکیم، فیلسوف الوقت... عمر بن ابراهیم الخیام رحمة الله علیه" نقل کرده است.

تمام کردی، یعنی شاهان تیان پیدا تند که ما نیز به سر آبا دان کردن جهان و مملکت همچنان را غیبیم، ما پسر پادشاه در این معنی حریص شربوی از جهت چند سبب را، گفتی بر سر فریضه ( = واجب تر ) که نیم کرده بدر خویش را تمام کند که چون تخت پادشاهی پدر ما را با شد سزاوارترم، و دیگر گفتی پدر ما بین عمارت یا از جهت آبا دانی جهان همی کرد، یا از بلند همتی و نام شکیو، یا از جهت نزدیکی به خدای تعالی، یا از جهت تزهت و خرمی، مرا نیز آبا دانی مملکت همی باید، و همت بزرگ دارم، و در آن و خشنودی خدای تعالی همی خواهم، و تزهت و خرمی دوست دارم، پس در تمام کردن بنا فرمان دای، و بعد با پستادی تا آن شهر و بنا تمام گشتی، و اگر بر دست او تمام نشدی دیگر که به جای او نشستی تمام کردی، و مردمان آن پادشاه را مبارک و ارجمند داشتند، گفتندی خدای تعالی این بنا بردست او تمام کرد، و ایوان کسری به مدد این که شاه پور و اولاد او را فینا افکند و از بعد او چندان شاه عمارت همی کردند تا بردست نوین روان عادل تمام شد، و پهل اندیشگ همچین، و ما تنده این بسیار است.

تا در آن مینوی گنفتند ما نوروز نامه را او به سال ۱۳۱۲ خورشیدی ۱۹۳۳ جاب کرد مقدمه و حواشی و کرا نهای بر آن نوشته است، این چند سطر را از مقدمه، وی به نوروز نامه نقل می کنیم:

" نویسنده فیلسوفی است مادی، معتقد نیست که خدا انواع را جدا جدا خلق کرد، بلکه می گوید چیزهای نسو بر حسب کردن عالم، بدیده آمد، زندگی را تلخ می یافته می گوید دنیا در دل کلی تیرین میاید، مگر مرگ همیشه او را در رنج داشته می دیده که مردان مرگ را زاده اند، بنا بر این معتقد می گردد که باید یک دم هم گشته خوش بود، پس از آن هر چه میشود باک نیست، چون زرا برای خوش بودن زندگی لازم میداند تا ترا تمجید میکند، شراب را نیز که وسیله شادی و خرمی و راندن اندوه است است جی بتاید، صورت خوب را نیز بزرگ می شمارد و با بسک دنیا لطف فیه بیان کتاب خویش را برای فرخندگی بر روی نیکو ختم میکند، به جمالی نه تنها از لحاظ ظرافت برستی میگردید بلکه فایده ما دی نیز در آن می بیند، این طور که شخص خوب صورت تا گزیر می شود ما ل بیشتر بدست آورد تا بسوا دنیا دوست را ن بهم پیشینند و خوش باشد، برای همین منظور خوش گذشتن زندگی بشری است که آراوی به آبا دانی جهان دارد.

اگر چه دنیا چه کتاب را بر سر سیل سیره جاری مؤ لغیسن به حمد و درود شروع می کند با زهمه، بی شمیران را در سبک ردیف قرار میدهد، اسلام استعمال ظروف زرین را نهی میکند ولی او خود را به راه نمی زند، می آنگیسه اعتنا می به حرام بودن شراب در نظر مسلمانان داشته باشد آن را مدح میکند و منافع و مضار انواع مختلف آن را بیان می نماید و چاره زبانی هر یک را بدست می دهد. فقط آساره ای میکند که در قرآن نیز سوسومندی شراب یاد شده است."

تا در آن مینوی تا لیف این رساله را از غیام می داند و می گوید " تا دلیل دندان سکن بر بیظان این نسبت اقامه ننموده ای کس را به تمام آن سزا و ارترا ز حکیم عمر خیام نینابوری نمی شمارم."

اما امروزین از گذشت پنجاه و سه سال از انتشار کتاب، محققان در باره انتصاب رساله به غیام ایسن انداز همداستان نیستند، حتی بحهای دققیقی و نا فلانهای هم در باغ ساختن مو لف آن، و احوال و آثار روزگار زندگی وی در گرفته است که جای طرح آن ها در این گفتار نیست، یکی از آخرین نظرها می هم داده شده این است که غیام خود را دادا شده های برای تا لیف رساله ای به نام نوروز نامه تهیه کرده اما مرکز فرستادین آن ها را نیافته است و پس از مرگ او دیگری این یاد داشت ها را تنظیم و تدوین کرده و از زمین روی آن را از قول "خواجه حکیم، فیلسوف الوقت... عمر بن ابراهیم الخیام رحمة الله علیه" نقل کرده است.

مؤ لف - غیام با ندوچه کس دیگر - پس از شرح هدیه های که میباید نمودن برای شاه می آورد در باره خواص هر یک از آن ها فصلی بر داخته است که به ترتیب عبارتند از: زر، انگسری، خویده، سمنیر، تیروکمان، قلم، اسب و هنرا و با زو هنرا و، شراب و منفعت آن و بر انجام آخرین فصل کتاب است که با لطف و طرافت و دوق تمام به بیان خاصیت روی نیکو اخصا می یافته و کتاب با آن به پایان آمده است.

در هر یک از این گفتارها پس از بیان خواص هر چیزی، نویسنده یک یا چند حکایت، کوتاه یا بلند، در تا یاید گفته، خود نقل کرده است، ما در این جا هدیه - نوروزی خوانندگان قیام ایران را نخست حکایتی که " اندر معنی دیدن آمدن شراب " آورده، و آن سخت لطیفست و زیباست، و نقل می کنیم و سپس یکی از حکایت های را که در خواص روی نیکو در کتاب آمده می آوریم و این حکایت اخیر بر روشنی نشان می دهد که تحسین گذشتگان از زیبا کی سرانه و ستایش آن، نه چنان که امروزینان گمان می برند ریشه در انحراف ها و اختلالات جنسی داشته است. این حکایتان اول:

روز نوروز نخست کسی از مردمان بیگانه موبد موبدان پیش ملک آمدی با جام زرین پریمی، و انگسری، و درمی و دینا ری خسروانی، و یک دسته خویده، سبزه، و شمیری، و تیروکمان، و دوات و قلم، و اسبی، و بازی، و غسلا می خوب روی، و ستایش نمودی و نیایش کردی او را بزرگان با رسی بدبارت ایشان، چون موبد موبدان از آن فرین سیرداختی پس بزرگان دولت در آمدندی و خدمت ههسا ( = هدیه ها ) پیش آوردندی.

### آفرین موبد موبدان بعبارت ایشان

شاه بچتن فرودین بما فرور دین آزادی ( = شکر و سپاس ) گزین بریزدان و دین کین، سر و پیش آوردن سراسر دانهایی و بیانی بی بکار دانی، و دیرزی با خوی ههسیر ( = نیکو )، و بنا دین بر تخت زرین، و انوشد ( = جاودان ) خورجیا جمشید، و رسم نیاکان در همت بلند و نیکوکاری و ورزش داورا ستی نگاه دار، سرت سبزی دوجوانی جوخوید، است کا مگا روبروز، و تیغت روشن و گاری بدشمن، و با زت گبیرا و خسته بشکار و کارت راست چون تیر، و هم کشوری بگینو، بر تخت با دزم و دینا، و بیشتر هنری و دانه کرا می، و درم خوار، و سرایت آباد، و زندگانی بسیار، و چون این بگفتی چاشنی کردی و جام بملک دادی، و خویده در دست دیکر نهادی، و دینا و درم در پیش تخت اوینها دی، و بدین آن خواستی که روز نو سال نورهجه بزرگان اول بدیدار چشم بر آن افکندند تا سال دیگر شاهان و خرم با آن چیز ههسا در کاسرا نی بیاندند، و آن بر اینان مبارک گردد، که خرمی و آبا دانی جهان در این حیزها ست که پیش مسلک آوردندی.

این آرزوهای نیکو و دعا های فصیح و زیبا از نوروز نامه، کتابی که تا لیف آن را به غیام نسبت می دهند، برداشته شده است.

نوروز نامه رساله ایست در بیان سبب وضع جشن نوروز و کشف حقیقت آن و اینکه کدام پادشاه آن را نهاد و چرا آن را بزرگ داشته اند، نویسنده جشن نوروز را که یکی از رسوم ملی ایران است موضوع رساله خویش قرار داده و بنا برین با سخنان به مصلحت ایران علاقه مند بوده است، و خاصه وقتی می بینیم به امرا و زبیا در عادات و حفظ این جشن را حتی بر اقوام ترک و روم نیز واجب میشمارد.

مؤ لف از شاهان اساطیری و تاریخی ایران تا زمانه یزدگرد شهریار را بدینا ر میبکند و همیشه ها و رسوم و فنونی را که ایشان نهادند و منطبق با روایات تسی کسهدر شهنامها آورده اند نقل می کند چنانکه کوشی خوانندن شاهنامه فردوسی حدامت داشته، آیین جهان نهداری شاهان ساسانی را با تمجید و تحسین حکایت می کند، وی منجم و ریاضی دان بوده، در مسائل طبی از آراء رازی و ابن سینا پیروی مینموده، و این کتاب خود را در نیشابور نوشته یا فقط نیشابوری بوده، کتاب را اگر چه میگوید بسوجب التماس دوستی نوشتن، در حقیقت برای شاه نوشته و چیزهایی را که میگوید موبدان موبد برای شاه عنوان هدیه نوروزی می برده هر یک تا یکی از انواع است: شراب شاه نوشیدنی ها، زرشاه گوهرهای گدا زنده، یا قوت شاه گوهرهای ناگدا زنده، اسب شاه چرندگان، یا زرشاه پیرندگان... نویسنده آن را برای پادشاهی ترک و در دوره سلطنت ترکان در ایران نوشته: یک جا میگوید امروز اسپ را هیچ گروه به از ترکان نمی شناسند از بیرون که چنان ایشان دارند، مگر بر ترکان توصیه می کند که جشن نوروز را ترک نکنند، در باره خواص اسپ به گفته افراسیاب پادشاه ترک است که می کند، و از خارج میدانیم که سلجوقیان نسب خویش را به افراسیاب می رسانده اند نویسنده کتاب را برای یکی از نشینان نزدیک ملکشاه نوشته آن هم در هنگا می که هنوز از مرگ ملکشاه خیلی نگذشته بوده است، در فصلی که شاهان باستان ایران را مشتاقی به آبا دانی جهان معرفی می کند مثل اینست که می خوا هدیه جا نشین ملکشاه بگوید که رتبا بر مدخا نه که او شروع کرده بودتوبا بدیهه پادشاهی بری.

سخنان مؤ لف در این زمینه و یاد کردن اهتمامی که پیشینیان به آبا دانی کردن داشته اند بسیار رسو در عین حال با مقایسه با آنچه امروزه در ایران می گذرد سخت آموزنده و عبرت زا است.

و دیگر بر کار عمارت عظیم حریص و راغب بودندی، و هر پادشاه که بر تخت مملکت بنشیند شب و روز در آن اندیشه بودی که کجا آب و هوای خوش است تا آنجا شهری بنیاد کرده اندی، تا ذکر او را با دان کردن مملکت درجهایان بیامندی، و عادت ملوک عجم و ترک و روم که از نژاد آفریدون اند چنان بودست که اگر پادشاهی سراسری مرتفع بنا افکندی یا شهری یا دیهی یا ریا طی ( = کاروان - ساری ) یا قلعه ای، یا رودی برآندی، و آن بنا در روزگار او تمام نشدی پس او آن کس که بجای او بنشیند بر تخت مملکت، چون کار جهان بر روی راست گشتی، بر هیچ چیز چنان چندان نمودی که آن بنا نیم کرده آن پادشاه



# جراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

## بمناسبت ۲۹ اسفند روز ملی شدن نفت

توماس کارلایل که زندگینامه کرامول را نوشت، گفت که بیست قهرمان خود را از زیرکوهی از افتراها و انتقام‌ها بیرون کشد تا او را چنان که بود بنمایاند. زندگینامه نویسی مصدق، از این حیث، وظیفه‌ای دشوار ندارد. سوای رژیم تهران که می‌گوشد مصدق را در سایه ایوالقاسم کاشانی قرار دهد، هیچ ایرانی نیست که در او ذره‌ای احساس ملی‌گرائی باشد و بتواند از مصدق به‌بدی یاد کند. برای آیت‌الله خمینی، مصدق جز "مثنی استخوان" نبود. ولی کیست که نداند بدون مصدق و کارنامه درخشان سیاسی او، استخوان نبندی ناسیونالیسم ایران کامل نخواهد بود. رژیم اسلامی با مصدق مخالفت، ولی چون نمی‌تواند او را کوچک کند، ایوالقاسم کاشانی را بزرگ می‌کند. اما این بزرگنمایی به هیچ روی تا شریعتی‌گانی دلخواه را به بار نمی‌آورد. زیرا بیش از هر چیز، دو شخص با بدیای یکدیگر مقابله می‌نمایند. بتوان یکی را بزرگتر از دیگری جلوه‌گر ساخت و او را در سایه آن دیگر قرار داد. ولی کاشانی کجا و مصدق کجا. به قول خواجeh شیرازی: چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا.

ناسیونالیسم ایران شاعری عاطفی نیست که طلیح زودجوش به شنیدن آن بچونند و برآیند، ناسیونالیسم ایران

نماد ناسیونالیسمی است که می‌تواند رژیم آخوندی را به چالش بخواند. از اینرو مصدق برای ما ایرانیان تنها یک ذخیره گرانمای تاریخی نیست، نما دمقا وست در برابر حکومت آخوندی نیز هست. و درست همین سیمای مصدق است که رژیم آخوندی را هرگز آرام نمی‌گذارد. ملاهای تهران می‌گوشند تا آنجا که ممکن است دیگرانی از مصدق نبرند، ولسی‌خاطره ناسیونالیسم ایران از روزهای انقلاب مشروطه و ملی کردن صنعت نفت مدام به آنها نهیب می‌زند. ملاها به مصدقی که به تاریخ و شناسنامه تاریخ سپرده شود، نه تنها کاری ندارند، بلکه واژه‌های نیز از او به‌دل راه نمی‌دهند. ولی مصدقی که آخوندی را به جای خود نشانده، مصدقی که هرگز نمی‌خواست کار دولت را با موردینی درآمیزد. این همان سیمایی است که یک محور عمده مقاومت در برابر حکومت ملاهاست. همین است که اهمیت تاریخی مصدق را به یک جریان سیاسی روز بیونمی‌دهد و نام او را زنده نگا همی‌دارد.

که در جریان انقلاب مشروطه، آخوندیسم با آن درآمیخت بلکه بتواند آن را به سوی "مشروع" منحرف نگرداند. حکومت که به دست ملاها افتاد، خواستند با نامگذاری خیابانی به نام مصدق، این چهره بزرگ تاریخ معاصر ایران را در خود بکشند و هم‌نام کنند. ولی خیلی زود دریا فتنه‌گرا و برای رژیم آخوندی لقمه قابل هضمی نیست. مدعیان نیابت ولی عصر، "ولی‌عمر" را جانشین مصدق کردند. برخی نیز کوشیدند تا ناسیونالیسم ایران را به رژیم ملاها بفروشد و سودی بکنند. لیکن از این معامله جز زیان تاریخی نیستند. ناسیونالیسم ایران متاع قابل معالجه‌ای نبود و به معالجه‌گران درس دیگری آموخت. برای خمینی حسادت برانگیز بود که در گرما گرم افسوس‌زدگی توده‌ها می‌دید که یک میلیون تن از مردم تهران به مناسبت سالگرد درگذشت مصدق در احمدآباد گردهم آمده‌اند. از زمان روز معلوم شد که حتی استخوان مصدق نیز

دارای محتوای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیار غنی است. سلسله‌جیالی رنگارنگ است که اگر یک قله آن امیرکبیر باشد، قله دیگر آن مصدق است. نوسازی اقتصادی ایران همان‌گونه در دامنه این کوه بزرگ قرار می‌گیرد که تلاش برای استقرار دمکراسی و حاکمیت ملی. و آنچه به همین اندازه در بار آورشدن ناسیونالیسم ایران اهمیت دارد، جدائی دین از دولت است. امیرکبیر با بنیادگذاری دارالفنون نخستین گام تعیین‌کننده را بردارد. برای آن که آموزش و پرورش را از انحصار آخوندی‌ها آورده و می‌ماند گونه به ناسیونالیسم ایران خدمت می‌کند که مصدق با ملی کردن صنعت نفت کمربند خدمت آن می‌بندد. تصادفی نیست رژیمی که می‌خواهد مصدق را در سایه کاشانی قرار دهد و او را کوچک بنماید، همان رژیمی است که می‌خواهد به عمر دارالفنون پایان بخشد. در جریان ملی کردن صنعت نفت، کاشانی خود را همان گونه به ریسمان مصدق بست



## هدیه نوروزی:

### از نوروز تا ماه خپیام

نیامد. چون بهوش آمد پیش ملک آورده شدش، از او پرسیدند که آن چه بود که دی روز خوردی، و خوبش را چون میدیدی، گفت نمی‌دانم که چه می‌خوردم، اما خوش بود. کاشکی امروز صدق دیگران را بیافتمی. نخستین قدر بدشخواری (دشواری) خورد که تلخ مزه بود، چون در معددا قرار گرفت طبعم آرزوی قح دیگر کرد، چون دوم قح بخوردم سناطی و طریبی در دل من آمد که شرم از حشم من برفت، و چنان نیش من سبک آمد. بنام شمیمیان من و شاه هیچ فرقی نیست، و غم چنان بر دل من فرا موش گشت، و سوم قح بخوردم بخواب خوش درختم. شاه وی را آزار نگذاشت که کرده بود، بدین سبب همدا نایان من گفتند که هیچ نعمتی بهتر و بزرگوارتر از شراب نیست، از این که در هیچ طعمای میوه‌ای این هنر و خاصیتی نیست که در شراب است، شاه شمران را معلوم شد شراب خوردن، و بزم نیا در آیین آورد، و بعد از آن هم زشرا برودها بسا ختند (آهنگها ساختند) و شواها زدند، و آن باغ که در او تخم نثار بکشتند هنوز برجاست، آن را به هرات غوره می‌خوانند و در شهر است، و چنین گویند که نهال انگور از هرات به همه جیان برآید، و چندان انگور که به هرات یا شده هیچ شهری ولایتی نیا شد، چنانکه زیادت از ده‌گونه انگور را نام بر سر زبان بگویند، و فضیلت شراب بسیار است...

### گفتار اندر خاصیت روی نیکو

روی نیکو را تا با نایان سعادتی بزرگ دانسته‌اند، و دیدنش را به فال فرخ داشته‌اند، و چنین گفته‌اند که سعادتی دیدار نیکو را حوال مردم همان تا نیرکند که سعادتی کوکب سعد بر آسمان، و مثال این چنان‌ها ده‌اند چون مثل جامه که عطر اندر صندوق بوده که زوی بوی گیرد و بی عطر آن بوی مردم برساند، و چون مثال عکسی آفتاب که بر آب افتد و بی آفتاب بیدگر جای عکس برساند، زیرا که نیکویی صورت مردم بهر بیست از ته نیر کوکب سعادتی به تقدیر از دستتالی به مردم بیوندد، و نیکویی به همه زبان‌ها ستوده است و به همه خردها پسندیده، و اندر چنان چیزهای نیکویی است که مردم از دیدارشان شاد کرده، و به طبع اندر تا زگی آرد، ولیکن هیچ چیز بجای روی نیکویی نیست، زیرا که آرزوی نیکو شادی آید، چنانکه هیچ شادی به آن نرسد، و گفته‌اند روی نیکو دلیل نیکبختی این جهان است، و چون

چون او بیامد از سرخشم و عتاب گفت‌ها و نوا، خوبش را می‌شناسی، هیچ‌دانی که من ترا از کجا برگزیده‌ام و به کجا رسانیده‌ام، از خواهسته و نعمت چه‌داری، ترا زهره آن با شد که یک ساعت از پیش من غایب شوی؟ چون سلطان خموش گشت گفت: سلطان بفرما بدینستند، همچنانست که می‌فرماید، من بنده را از خاک برگرفت و بر فلک رسانید، من یک فرما به یادم آنگون به دولت خداوند پا نهد، از دینا رزیا دت دارمی خیام و چنانکه بنده آزاد، و ملک بنده را آن مرتبت و حشمت داده است که در دولت خداوند پایا به هیچ کس از پایا بنده بلندتر نیست و با این همه کرامت که با بنده کرده است و با این نعمت که داده و بدین درجه رسانیده هیچ ساس و منت بر بنده ننهد، بر دل خویش نهد، که بنده را از جهت دل خویش نیکو میدارد و بدو معنی، یکی از جهت آنکه دیدار بنده به فال گرفت، و دیگری که من بنده شما شاکا دوباغ و بوستان دل ملک، اگر ملک شما گاه خوش را بیاید به منت بر کسی نیا بدینها، هر چند من بنده بشکروم اما مقابل منی کنم، ملک را جواب آن پسر عجب خوش آمد، و او را بشناخت، و تشریف داد.

سخن بزرگان و اهل حقیقت در معنی روی نیکو بسیار است، این مقدار بدان یاد کرده شد تا بدانی که مرستت، این عطا و خلعت از دستتالی تا به جا بگا هست، و بزرگان مروری نیکو را چه عزیز داشته‌اند، و این کتاب را از برای فال خوب بر روی نیکو ختم کرده‌اند.

کتاب دروای مینوی دربار، این پسر بیابا روی دروایی کتا بنوشته است: "این فلانی که سلطان محمود به این طور تربیت کرده است هیچ کس نمی‌تواند بود، کرا یا از او ساقی که بعدها در روزگار سلطان مسعود از سرداران معتبرند و در سال ۴۹۹ هجری درگذشت."

\* خویید: هر گاه تا زهر و بید، بوته جو یا گندم که هنوز خوشه نیست به باد، آن را هم با حذف او و در تلفظ (خید) و هم با اظهار آن (بروزن بعید) می‌خوانند.

\*\* جاشنی کردن: موسوم بوده است که وقتی می‌خواستند چیزی از نوشیدنی یا خوردنی را به پادشاه عرضه کنند، نخست کسی که خوشش را فدای پادشاه می‌دانسته، سردار آن می‌چشیده است تا اگر طعم آن را خوشیدنی زهر آلود با شاد آن در وی ظاهر شود و پادشاه آن را نخورد، این شخص را "جاشنی گیر" می‌گفته‌اند و جاشنی گیران از میان غلامان یا سرداران فدایی پادشاه برگزیده می‌شدند.

\*\*\* شنه به فتح اول دوم، سنگی است بسیار سیاه که درجه گوهرها به حساب می‌آید اما از همه آن‌ها انسنگ بها تر است. عوام مردم آن را شبق می‌نامند و هر چه چیز بسیار سیاه را بدان می‌نامند و هر چه چیز

\*\*\*\* کچول کردن: (بروزن قبول) یا کچول حرکت دادن و جنبانیدن سرین است به وقت رقصیدن و مسخرگی کردن و امروز به جای آن "قرادان" گوئیم.

روی نیکو خوی نیکو یا رشود آن نیکبختی بنام است رسیده باشد، و چون به ظاهر هروباطن نیکو بود محبوب خدا و خلق گردد، و مریدان رتیکورا چنان خاصیت است، یکی آنکه روز خجسته کند بر بنده، و دیگری آنکه عیش خوش گرداند، و سه دیگر آن که به جوان نمردی و مرورت را دهد، و چهارم آنکه به مال و جاه زیادت کند، زیرا که مردم چون به اول روز زوی نیکو شادی یا فتنه‌گرا بهین‌ها بودا و پیروهای خجستگی، که آن روز جز شادی نیستند، چون با وی نشست عیش بروی خوش گردد، و بی غم شود، و چون این حال بر وی قرار گرفت، و دیدار نیکو یافت، اگر چه بی مرورت و سله‌گسی بود، مرورت و جوان شمسردی در وی بنجد، و چون درمان وی را با روی نیکو دیدند به تنظیم نکردند، و نیز از بهر عیش خویش به مال ورزیدن کوشش بیش کند، و چنین گفته‌اند که روی نیکو بی‌سرا جوان کند، و جوان را کودک، و کودک را بهشتی، و رسول علیدا سلام گفته است حاجت خویش از نیکو رویی آن بخوا هید...

حکایت گویند سلطان محمود روزی به تماشا سده بود، و از محراب سوی شهر می‌آمد، و در آن حال هنوز می‌رسید، و پدرش زنده بود، چون به در دروازه نهر رسید چشمش در میان نظر رگین بر سرسری افتاد که رگین جا به بقدر دوازده (دوازده) ساله، اما سخت نیکو روی و طرفه و زیبا بود، تمام خلقت، معتدل قامت، عیان با زکشی و گفت این پسرک را پیش من آرید، چون بیاید و درنده گفت ای پسر تو چه کسی و پدر کیست، گفت پدر ندا رمولیکسن ما درم به فلان محلت نشیند، گفت چه پیشه می‌آموزی، گفت قرآن حفظ میکنم، فرمود تا آن پسرک را به سرا برده، چون سلطان فرمود آند پسرک را پیش خواند، و از او هر چیزی پرسید، و چنانکه ارش فرمود، سخت زیبرگ و رسیده بود، و اقبالش یاری داد، فرمود تا مادرش را بیاوردند، و گفت پسر ترا قبول کردم، من او را بیبرورم، تو دل از کار او فارغ دار، مادرش را نیکوئی‌ها فرمود و پسر را جا به‌های دیبا پوشتا نید، و پیش ادیب نشاند تا خط و دانی آموخت و سلاح و سوار، و پسر را گفت هر روز با من آید که من هنوز با رنده‌ها شام بیکه بیسی من ایستاده‌ای، پسر هر با من آید که (صیح زود) بخدمت آید، سلطان چون از حیره خاص بیرون آمدی نخست روی او دیدی، و مقصود سلطان آزمایش خجستگی دیدار او بود، سخت خجسته آمد، چون بیرون آمدی از حیره چشم بروی افکندی، هر مرادی داشتی آن روز حاصل شدی، و این پسر را از جا من نیکو داشت جملش یکی مد شده سلطان هر روز او را بخویشتن نزدیکتر کرد، و شایستگی‌ها از وی بدید آمد، و سلطان او را نعمت و خواسته می‌داد و اعتما دبر او زیادت می‌کرد، و می‌خواست، و نعمت و حشمت این پسر بسیار شد، و سلطان از عشق او چنان گشت که یک ساعت شکیبا نتوانست بود، این پسر را سالش به هجده رسید، و چنانکه بکی ده شد، و از مبرای دیدار او سلطان را بسیار رگها و فتوح‌های بزرگ دست داد، و چندین ولایت هندوستان بخشاد، و شهرهای خراسان بگرفت و به سلطان بنی بنشست، مگر روزی این پسر به عذری دیرتر به خدمت آمد، و سلطان بی او نتوانست گشته بود.

### گزارش های ایران

## ضربه مهلك كربلاي ۴ و ۵ بر سپاه

### از گروه خبري نهضت مقاومت ملي ايران

برای کشاندن مردم به جبهه نابرابر فزونتر شده است. قبلاً" به اطلاع رسانند که بخشنامه‌ای به تمام کارگاه‌های کشور شده که با یک ۲۰ درصد زکا رگران خود را به جبهه بفرستند. این بخشنامه در هفته گذشته به ما داد تا مهم‌ترین ابلاغ شده و وحشت عمومی کارمندان را برانگیخته است. از طرفی دولت به علت وضع بد مالی، فشارهای خود را بر واحدهای اقتصادی بمنظور تأمین هزینه جنگ بیشتر کرده است. روزی نیست که به کارخانه‌های کشور بخشنامه تازه‌ای فرستاده نشود. از جمله در شهر صنعتی ساوه این بخشنامه‌ها صادر شده است. بخشنامه‌ای تحت این مضمون که چون میخواهیم برای این منطقه پیمان فتنه بگذاریم هر کارخانه به نسبت وسعت ارض خود باید ۵ ریال بدهد. بخشنامه‌ای به این مضمون که چون مردم باید در مورچگی پیشقدم شوند باید تا آخر بروج مبلغ ۱۵۰ هزار ریال به حساب مخصوص واریز کنند. بخشنامه‌ای به این مضمون که چون میخواهیم در این منطقه گشت داشته باشیم هر کارخانه باید مبلغ ۶۰ هزار ریال بپردازد. فشار مالی روی اتحادیه‌های صنفی بحمد مرگباری رسیده است و آنها تقریباً " ما را نه با یک چند میلیون صرف خرید جنس برای جبهه میکنند. فشارهای مالی را در کنار کساد و کمبود مواد اولیه و بی پولی مردم بگذارید آنوقت ببینید کسبه که ستون اصلی برپا دارنده رژیم جمهوری اسلامی بودند چگونه دارند فرو میریزند. هم‌اکنون با زارتهران در شرف تعطیل است. چرا؟ میداند که با زاریک مرکز عمده فروشی است که بیشتر شهرستان‌ها نیازهاشان را از آنجا تأمین میکنند. بعلاوه تعطیل با زارهای مهم تبریز و امضا و شهرهای عمده دیگر و "لا" فروش ندارند تا "اجناسی که قبلاً" فرستاده اند دنیا منهدم و معدوم شده یا مرجوع گردیده. مطالباتشان نیز بعلاوه فرا رسیده شهرهای مزیور سکوت ما تسده و میتوان گفت ترکش بمباران شهرستانها به با زارتهران هم خورده است. اکنون خزانه‌داری کل برای پرداخت حقوقها طبق اطلاع دقیق و آمانده است و حرکت اقتصادی منگت متوقف شده. در چنین شرایطی آقای رفسنجانی تلاشهایی برای تشبیه رهبری خود صورت میدهد. بیسه اعتقاد ما صاحبه پر خبرنگار ایشان با دو هدف انجام گرفت: - الف) پایان عصر خمینی و آغاز عصر رفسنجانی - ب) تزکیه و تهذیب شیطان بزرگ که بله، آقای ریگان دین توحیدی دارد و آلی آخر... که قطعاً "عوارض و آنا را پسین معاصیه را مطالعه فرموده اید. هر چند که امریکا به جا ذبه و کارپسما ی رهبری در ایران آگاه نیست و رفسنجانی ممکن است بتواند یک حاکم قلد ریشودا ما یک رهبر، هرگز! چنانچه ۸ سال روی منتظری ۸ میلیار د تومان سرمایه گذاری کردند و نشد.

تهران - ۶۵/۱۱/۲۵



دا دند که سه نفرشان دستگیر شدند و یک نفر گریخت و بلافاصله هم دوکا میون حیالهایی به محل آوردند که شعرا معروفشان را بدهند. بشکله با روت تهران اخیراً " با حدود یک میلیون آواره جنگی متورم تر شده است و در چنین شرایطی اگر موج مخالفتی برخیزد و مردم اندک پشتیبانی ببینند انفجار قطعی است. تحقیق کردم در تمام نقاط بمب خورده تهران ناله‌ها را رفتی بلند بوده و باید این ناله را بغیرا تبدیل کرد. زمینسه از جهت آمانده است. این شوخی نیست که از هفت سال پیش هر با رغبیریماری خمینی منتشر شده مردم آنرا با ور کرده اند و تکذیب‌های مکرر در باره او است آن هیچ تا نیری نداشته است. نارضا ییتی قابل کنترل نیست و موج آن بدنه سپاه را هم آسیب میزند. قتل عام مسیاری از فرماندهان سپاه در کربلا ۴، ۵، اعتراض سپاری را برانگیخته است و فرادسیاه هم متوجه شده اند که غیر از ایمنان و ایثار، برای جنگیدن دانش جنگ هم لازم است. آقای سلیمانی پیشخدمت سا زمان آب کرمان نمی تواند فرماندهی لشکرش را الله را بعهده بگیرد مگر اینکه تمام لشکر را بکشتن بدهد. بسیاری از افراد سپاه اکنون برای خودکشی در میدانهای جنگ دا و طلب نیستند و یک نوع روحیه یاس بر آنها حاکم شده است و تنها تبلیغات سهمگین حاکم است که آنها را تشویق بماندن میکند. فشار تبلیغاتی رژیم حیرت انگیز است و گاهی با مسائلی در این زمینه برخورد میکنیم که این شبهه را در دل می افکند که یک سازمان عظیم جهانی این تبلیغات را ادا راه می کند نه یک مشت آخوند بی سواد. بعنوان مثال، در دهه فجر، از هر منطقه فرهنگی، گروهی از زبده ترین دانش آموزان دبستان و راهنمایی را به اردویی ۲۴ ساعته بردند. در این اردو تنها، برنا مائیلیفی نهادت و مرگ و زندگی پس از مرگ گنجانیده شده بود. فیلمی نمایش دادند که چگونه یک نفر شهید میشود و بعد دوباره از قبر برمیخیزد. همراه با نمایش فیلم، معلمین امورتربیتی توضیحاتی میدادند که ششوی مغزی را کامل کند. بگذریم که بچه‌های معصوم شب هنگام برای رفتن به دستشویی از ترس و روبروشدن با روح دچار چه مشکلاتی شدند و نمی توانیم بگویم که این تنها یک نمونه کوچک از نوع ششوی مغزی است و یادمان باشد که امروز اکثریت جوانان ایرانی بین ۱۵ تا ۱۸ سال در کارگاه ششوی مغزی جمهوری اسلامی، شستشو شده اند که اگر این مدت با زهم افزوده شود آینه بسیار تیره و تاریک خواهد بود. بیرو فشار دولت

قبضه شهداست و لشکر اسلام. هرگز چنین صدمه‌ای ندیده بود. تحمل این ضربات برای لشکرهای اروپائی هم مشکلست چه رسد به لشکری که سا زماندهی ندارد. یک نوع شفتگی خاص در سا زمانهای نظامی حاکم است. میداند که بر خلاف جبهه میانی که فقط ساها دارد و میگرد، در سوما ما موریت حمله به ارتش وا گذار شد. یک نظامی که از سوما ربا زگشته بود میگفت، ما بمحض شروع حمله موفق شدیم ۹ تپه را تصرف کنیم. اما چون پشتیبانی نشدیم حمله و موفقیت ما عقیم ما ندوبسا دادن تلفات عقب نشستم. ظاهراً " شفتگی و سردرگمی نظامی مانع از تکمیل پشتیبانی میشود. آخوندهای شرع فوراً " خود را میرسانند و حدود ۲۰ نفر از فرمان و درجدها را با آنها هم خبر بکاری محاکمه صحرائی کرده و اعدام می کنند ( این خبر در هیچ رسانه‌ای بخش نشد). قدم تشریح ضربات کجی کننده‌ای است که بر یکسره سا زمان نظامی وارد آمده است. نمونه دیگری عرض کنم. در چند روز اخیر بخشنامه‌ای به واحدهای ارتشی ابلاغ شده که هر کس دا و طلب عزیمت به جبهه‌هاست خود را معرفی کند که ایمن بخشنامه مورد تسمخرتظا میان قرار گرفت که آقای ارتش خودش در جنگ است! ایمن بخشنامه معنی میدهد. این نکته را توضیح دهم که هنوز ارتشی‌ها تا آنجا که در توان دارند خود را از جنگ کنار میکشند و نقشه‌ها و طرح‌های سپاه و آخوندها را به مخره میکشند. نارضا ییتی همراه با ویرانی و تعطیل ده شهر بزرگ ایران نظیر اصفهان، تبریز، همدان، رضائیه، قم، بروجرد، خرم آباد، کرمانشاه و هجوم آنان به تهران که سرگردانی و گرانای بیشتر ساری راهم سبب شده، همراه با شکست عملی حملات اخیر و رقام و وحشتناک کشته شدگان اوج و شدت بیشتری گرفته است. نارضا ییتی بالقوه‌ای که از سه ماه بعد از استقرار حکومت آخوندی برجا معاصیرانی بخصوص شهرنشینان حادث شده ا لابه نارضا ییتی بالفعل تبدیل گردیده است. روزی که عراقی‌ها اول سید خندان را زدند خصماً " در همان ناحیه بودم. در لحظت اول در خیابان کورش کبیر که موج انفجار شیشه‌ها را شکسته و همرا وحشت زده کسره بودن موجی از ترس و لعنت بر آخوندها دیدم که برای خودم تا زگی داشت، البته نارضا ییتی آنها بشکل نفرین وضع بود. جملاتی از این قبیل که چرا شران را از سر مردم کم نمی کنید کیا، تا کی میخواهید ما را به کشتن بدهید؟ الهی خداوند شما را ذلیل کند، بیشتر بکوش میخورد تا شعراهای مثبت. تنها چهار نفر را دیدم که با مدای بلند شعرا مرگ بر آخوند

این گزارش را در شرایطی می نویسم که تهران در زیر فشار و وحشت جنگ و بمبارانهای هوائی سخت ترین روزگار خود را می گذراند. بمباران تهران برخلاف بمباران شهرهای ایران که همه ویرانگر و ویران ساز است، هنوز جنبه نمادین و سمبولیک دارد. یک یاس و هوا پیمان بر فرا شهر وسیعی چون تهران حکم قطره‌ای در اقیانوس دارد. اما وحشت ناشی از یک نوع تره کشی مرگ است که همه شهرانی‌ها را به هراس می اندازد. اندک اندک فرارهای دسته جمعی مردم از تهران آغاز شده است. تا چند روز پیش این سیل عظیم شهیرستانها بود که بسوی اقیانوس تهران بحرکت در آمده بود اما حال فرار از تهران آغاز شده است. روز سه شنبه ۲۱ بهمن که شایع شد عراقیها قصد دارند هجوم هوائی داشته باشند یک چپارم مردم تهران، شهر را به فند شمال با روستاهای اطراف ترک گفتند. مدارس بتدریج خالی از شاگرد میشد و امروز، شنبه ۲۵ بهمن، دولت برای مقابله با آبروریزی ناشی از تعطیل مدارس بوسيله بدروما درها، خود به تعطیل مدارس ابتدائی و راهنمایی تا اطلاع ثانوی، بدون اعلام در روزنامه‌ها، اقدام کرده اما اطلاع دارم که دبیرستانها نیز خالی است و از هر کلاس پنجاه نفری فقط ۱۰ تا ۱۵ نفر در کلاسها بودند. در حقیقت کاری که عراقیها در هجوم هوئی بهتران کرده اند نه تخریب دوسه خانه و ساختمان، بلکه تخریب روحیه عمومی بوده است و چون دولت با مردم روراست نیست و حتی حقایق مربوط به بمبارانها را نمیگوید، شایعات، زندگی را فلج کرده است و دولت بیش از هر زمان دیگر آسیب پذیر است. تخریب روحی، به مردم محدود نمیشود. برای اطلاعاتی که بدست آورده ام این تخریب روحی شامل حکام مهم شده است. شکست کربلاي ۴ و توقف کربلاي ۵، رؤیای تشکیل امپراتوری اسلامی را در ذهن بسیاری از آخوندها که خود را در تصور بغداد تصور میکردند در هم ریخته است اما بخششی از حاکمیت تخریب روحی خود را به شکل جنون برای حمله بروز میدهد. در جلسه‌ای که آقای خاموشی رئیس اتاق بازرگانی تشکیل داده بود این حالت روحی کا ملا" نمایان بود. خاموشی اخیراً " پسرش را در جبهه زدنست داده است و حاله جنون حمله و سرنگونی رژیم عراق مبتلا شده است. هیچ حرف حسابی را نمی پذیرد، با اینکه ظاهراً " مردی از حیطه اقتصاد است اصلاً " نمی تواند نقش امومالی را در جنگ که آخرین مرحله و رشکستگی کشیده درک کند. این نوع روحیه که بخصوص در میان مقاماتی که شید داده اند بروز کرده است احتمالاً " اگر دولت هم بخواد هدا متیازی بدهد، از آن مانعیت خواهد کرد. در کربلاي ۴ و ۵، حکام و رهبران مملکت برای نخستین بار تلفات بسیار دادند. دیگر نمیتوان به آخوندها گفت شما تلفات نداده اید و مردم تلفات میدهند. حدود بیست اما مجمع و همیمن رقم نمایندگان مجلس شهیدان دند و بیغم مرگ فرزندان گریستند، حدود ۱۰ نفر مانده لشکر، و حدود ۲۰ فرمانده تیپ و چند بر ایران از فرماندهان گردان کشته شدند. هنوز ستونهای ترحیم و تسلیت در



# لرزش عرش عظیم

بقیه از صفحه ۱

بها نه این قرشمال با زی، یک فیلم تفریحی است که بمناسبت سالگرد حکمرانی آیت الله خمینی از تلویزیون آلمان پخش شد، آخوندها آن را توهین به عالم اسلام شمرده اند و ادعا می کنند پخش آن شریک این فیلم طنزآمیز عرش عظیم بلرزه درآمده و زلزله درکاشنا افتاده است.

فیلم، مونتاژ ظریفی است از تصاویری آیت الله با یک صحنه مسکمی که با رویهم فرا گرفتن آنها، بنظر میرسد آیت الله مشغول دست مالی کردن زنها ی عربیان و توزیع لباسهای زیر زنا نه ما بیست است.

بنظرمان آنکه در این فیلم طنزآمیز مورد اهانت قرار گرفته آیت الله خمینی نیست، توهین به زنها ی جوان و زینبائی است که مظهر کمال آفرینش و صدق آیه شریفه "فتیاءک اللہ احسن الخالقین" اند و تهیه کننده تلویزیون زلف آن بیچاره را بدست غول بی شاخ و دمی مثل آیت الله داده است!

کس نیاید بیای دیواری که بر آن صورت نگار کنند کز ترا در بیشت با ندجای دیگران دوزخا ختیا رکند این ادعا که هرگاه کسی اسم آیت الله خمینی را بی وضو بر زبان بیاورد توهین به عالم اسلام کرده معلوم نیست مبتنی بر چه منطقی است. چنین ادعایی بدان میماند که دولت مغولستان بگوید هرگاه کسی از چنگیزخان به نیکی نام نبرد به ملت مغول توهین کرده است یا دولت ایالتی بگوید بی حرمتی نسبت به کالیگولا و نرون توهین به ملت است ایالتی است و دولت آلمان مدعی شود با دآوری جنایات هیتلر، توهین به ملت آلمان محسوب میشود.

هرکس در تاریخ جایگاه خودش را دارد و قضاوت اکثریت را در باره او نمیتوان با جنجال و تهدید و قرشمال با زی وحاشا آفرینی تغییر داد. چرا در فرانس و آلمان و آمریکا و ایالتی و جاهای دیگر کسی بفرگرمی افتد مها تما گاندی را به ریشخند بگیرد؟ دلیل اینکه چنین کاری خریدار و طرفدار ندارد. در همین نمایش تلویزیونی یا مشابه آن که چندی پیش در تلویزیون ایالتی تهیه شده بود اگر بجای خمینی، گاندی را مضحکه می کردند تا شاگردان عبادی تلویزیون، خودشان بطور طبیعی واکنش منفی نشان می دادند و تهیه کنندگان تلویزیون متوجه میشدند که بدکاری کرده است و بی آنکه کسی از خواسته با شد عذر میخواست.

گاندی، دوگل، مارتین لوتر کینگ، آبراهام لینکلن، چنگیزخان، موسولینی، هیتلر، خمینی هرکدام در دیدگاه مردم جهان جایی را دارند که با یدداشته باشند.

آن ایامی که آیت الله خمینی در نوفل لوشاتو اقامت داشت یا تازه به تهرآن با زگشته بود چنانچه مخالفان او میخواستند یکی از کمانالهای تلویزیونی را در اروپا به تهیه و پخش نمایشی مثل برنامہ اخیر تلویزیون آلمان ترغیب کنند ممکن نبود موفق شوند، چرا؟ چون آن وقت دنیا در باره خمینی تصویری داشت.

مردم دنیا در آن زمان خیال میکردند همانطور که آندریویا نگ سفیر آمریکا در سا زمان ملل متحد اظهار داشت قدیمی ظهور کرده است و میخواهد به ملتی آزادی بدهد، میخواهد ملتی را سر بلند کند، میخواهد کشوری را بطرف عدالت و امنیت ببرد.

این تصویر را خمینی بمحض آنکه در مقام حکمرانی قرار گرفت بدست خودش با یغ کرد و نشان داد که او نه قدیمی است، نه آزادیخواه است و نه بشردوست. یک مستبد خودخواه و خونخوار است که جز ترس و سیج چالاکت و خشونت و انداختن مردم بجان

یکدیگر هیچ هنری و هیچ هدفی ندارد. و سایر ارتباط جمعی در کشورهای دموکراسی آئینه افکار عمومی بشمار می آیند. چیزی را که قاطب مردم بیسندند آنها تعریف می کنند، چیزی را که قاطب مردم بیسندند آنها تکذیب میکنند. کسی را که نزد اکثریت مردم محترم باشد آن ها محترم میشوند، کسی را که مورد تنفر اکثریت باشد آنها تحقیر میکنند، چرا با ید مطبوعات و رادیو و تلویزیون ها از رژیم می که به فدیت بسا حقوق بشر، فدیت با آزادی فردی و اجتماعی، فدیت با آنا ر تمدن و پیشرفت، فدیت با افکار متحول و مترقی شناخته شده است به احترام یا دکنند و مردی را که با ید گذار این رژیم و مسبب این همه شیره بختی است مقدس بشمرند؟ دولت ها نظریه منافی که از رابطه با جمهوری اسلامی حاصل میکنند ممکن است احساساتشان را نسبت به رژیم آیت الله مکتوم نگه دارند ولی اهل قلم، اهل هنر، اهل فکر، اهل فرهنگ نمیتوانند ساکت بنشینند و سلتاق کردن یک هیئت را در دنیا ی قرن بیستم، با خونسردی نظاره کنند، لباس و عمامه یکی مونیست نمی دهد و احترام برای کسی بر نمی انگیزد، معاویه هم نماز میخواند و روزه میگرفت و عمامه بر می گذاشت و قیام می پوشید و عثمان امیرالمؤمنین داشت.

آینده چون نقش توینمود راست خودتکن، آئینه ننگستن خطاست بعلاوه، آخوندها چه طور بخودسان اجازت می دادند خلیفه دوم و پیدرزین بیغمر را با همه اعتبار و اهمیت که در تاریخ اسلام دارد، در مراسم و قضا "مستحق سب نهم ربیع الاول به ندیدترین وجهی هجو کنند و بیکره او را به نجاست بیا لایند و آتش بزنند؟ همه میدادند نیم که چنین مرا سمی به تشریف آخوندها و با مباحث و مساعدهت آنها در ایران برگذار میشد و حتی هنوز هم کلام متروک شده است، تنها موردی که آخوندها دایره و تشبیه و لهو و لعب و رقص های وقیحا نه سرودن و خواندن اشعار زشت را جایز میدادند مستند همین مراسم بسیار زشت موسوم به "عمرگشان" بود. بس آخوندهایی هم با این قبیله نمایش ها بیگانه نیست. حال چطور است که هجو پیدرزین بیغمر و خلیفه دوم یکی از شخصیت های مدرن اسلام بدان صورت رکبک توهین به اسلام نیست و عرش خدا بر آستان نیلرزد و قلوب مسلمین با لامل ازتاه لم نمیشود ولی شوخی کردن یک تلویزیون بیگانه با آیت الله خمینی توهین به اسلام است؟!!

## بی اعتنادهی به ارتش

بقیه از صفحه ۱

این گفتگو، سوای نکته های دیگر، حاوی این نکته درخور است: مل نیز هست که به هوا بیما های خلیفان ایرانی، سوخت فقط به مقدار بسیار محدودی می دهند. این مسلح "جزو برنامہ" صرفه جویی نیست، زیرا از این حیث کمبود وجود ندارد، بلکه تنها بدان سبب است که رژیم تهران به نیروهای مسلح، بویژه به نیروی هوایی، عمیقاً "بدبین" است.

از ارتش گرفته تا شهرها نیوزاندا رمری، همه جا آثار و نشانهای این بدبینی به چشم می خورد. نه تنها روی ساندنیروهای مسلح، بلکه فرماندهان نیروها و لشکرها، فرماندهان واحدهای ژاندارمری و روسای شهرهای شهرستانها و روسای کلانتریهای تهران، مدام عوض می شوند. این بدبینی رژیم البته بی علتی نیست. رژیم آخوندی اگر به نیروهای مسلح خوشبین بود جای شگفتی داشت، نیروهای مسلح نیز به توبه خود در حکومت آخوندی به دیده تحقیر می نگرند. و این منحصر به ارتش و شهرهای و ژاندارمری نیست. رژیم تهران، حشم مرا قند خود را از سباه یا سداران و کمیته ها نیز هرگز بر نمی دارد. زیرا می دانند که اعضاء این نهادها، زهر جا هم که آمددیا شدند هر عقیده ای هم که داشته باشند، سرانجام غلب رگی دارند که خون ایرانی در آنها جاری است. نیروهای مسلح ایران از آغاز زتاه سیس هم مرکز به صورت یک واحد جدا ازجا معه نبوده اند، برخلاف ارتش های اروپا،

ترکیب اجتماعی ارتش ایران همواره به گونه ای بود که قشرهای گوناگون جامعه ایران در آن حضور داشتند. این حالت اکنون نه تنها برهم نخورده، بلکه همچنان خود را شا ید با قدرتی بیشتر، نگا هداشته است.

هنگامی که تمامی جامعه، یا دست کم اکثریت قاطع آن، با رژیمی مخالف باشند، محال است بتوان نیروهای مسلح را از این مخالفت مصون نگا هداشت، خاصه آن که ترکیب اجتماعی این نیروهای مسلح، نمونه کوچکی از ترکیب اجتماعی تمامی جامعه باشد.

رژیم اسلامی کوشیده است نیروهای مسلح خاص خود را بوجود آورد و به وسیله این نیروهای مسلح، جامعه سرکش را کنترل کند، ولی اکنون کنترل خود این نیروهای مسلح برای رژیم مسلمانها مهمی بوجود آورده است. شبکه ای رسمی زاده های عقیدتی - سیاسی و شبکه ای غیر رسمی از خبرچینان و جاسوسان، بدین منظور بوجود آمده است که حرکات نیروهای مسلح زیر نظر رژیم قرار داشته باشد.

نیز رژیم بر آن است تا گرداگرد ذهن و شعور افراد نیروهای مسلح، دیوارهای ایمان تواءم با تعصب و اطاعت کورکورانه برافرازد تا این نیروها در برابر نارضایتی خیزان جامعه نفوذناپذیر بمانند.

با وجود همه این تدبیرها، موج نارضایتی خود را روز بروز بیشتر در

نیروهای مسلح، از ارتش گرفته تا شهرهای و ژاندارمری و سایر واحدها، نشان می دهد. دیگر کلید و چنان این نیروها در دست ملاهای حکومتگر نیست. و کارحون به اینجا کشیده است، داداشن کلید اینها را ای اسلحه چندان سودی برای ملاها نخواهد داشت.

ملاها و سرسپردگان آنها می توانستند سوخت اندک به خلیفانهای نیروی هوایی بدهند، می توانستند فشنگ ها را دادند تا به شمرند و به سربازان یا با سداران بسپارند، ولی نمی توانستند همین مقدار اندک را از آنان دریغ دارند. و روزی که درگیر بودا رقیام ملی لوله فشنگ ها در یک چرخش مدو هشتاد درجه ای به روی کارگران رژیم برگردد، همین مقدار اندک برای کشودن قفل زرادخانه ها و انبارهای سوخت و مهمات کافی خواهد بود.

### اعلامیه حقوق بشر

دفترهما هنگی جامعه های دفاع از حقوق بشر در ایران، به تجدید چاپ و انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست زده و با ارسال یک نسخه از نشریه مذکور، از ما خواسته است که نسبت به معرفی آن برای استفاده عموم اقدام کنیم.

قیمت: ۳ مارک  
آدرس دفتر:

P.O. Box 752 - D-1000 Berlin 15  
Telefon (030) 825 85 52

# گورباچف به گامی رود

چهارشنبه ۱۱ مارس دو سال از انتخاب میخائیل گورباچف به سمت دبیرکل کمی حزب کمونیست شوروی گذشت. گورباچف در این مدت با شیوه‌ها و روش‌هایی که در رهبری شوروی تاریخی دارد بارها جهان را به شگفتی انداخت.

رهبر کرملین سومین سال زمامداری خود را با امید موفقیت برای دستیابی به نخستین موافقتنامه در زمینه محدود ساختن سلاحهای هسته‌ای و با دورنگای نبردی طولانی و دشوار با مخالفان داخلی نوآوری سیاسی آغاز میکند.

گورباچف از زمان انتخابی به سمت دبیر کل کمی حزب کمونیست در ۱۱ مارس ۱۹۸۵، چند ساعتی پس از اعلام مرگ کنستانتین چرننکو رهبر پیشین شوروی که ۲۰ سال از وی بزرگ‌تر بود تا امروز، بعنوان مردی با حسن نیت جلوه‌گر شده است که مایل است به شوروی رنگ قدرتی را ببخشد که شیفته صلح و تنش‌زدایی بین‌المللی است.

گورباچف که امروز ۵۶ سال دارد، پس از احراز سمت دبیرکل کمی به سرعت به تصفیه بی سابقه‌ای در ارگانهای رهبری شوروی دست زد و با مصلحت‌گرایی ایدئولوژیک و سیاسی فراوان و با عزم جزم برای تغییرات اقتصادی که هنوز نمیتوان ابعاد آن را مشخص کرد میراث گذشته را زیر علامت سؤال قرار داد.

رهبر شوروی در دو سال زمامداری خود، ابتکارهای صلح‌آمیز چندینی به جهان غرب ارائه کرد که زمینه را برای ذوب کردن یخ‌های روابط دو ابرقدرت مساعد کرده است بدون آن که هنوز موفق شود در مورد محدود کردن زرادخانه‌های هسته‌ای به کوچکترین موافقتی با آمریکا دست

## واحد نهضت

### در هندوستان

به مناسبت سالروز ۲۲ بهمن آغاز فستیوال خمینی، واحد نهضت ملی و ملت‌سازی ایران در شهر دهلی نو واقع در هندوستان با نصب تما و برنا سوربختیا رهبر نهضت ملی و ملت‌سازی ایران و نگارین سعاری به مثالی ایران هرگز نخواهد مردم درود بربختیا، رهبر ملت ایران - ملیون ایران متحد شوید - جنگ بی‌است در مراکز و ماکن عمومی و سررنت و آندسیر، مراتب بنیادینی ملت ستم‌دیده ایران را از اهدای والای نهضت ملی و ملت‌سازی اعلام داشتند.

همچنین در شهر بنگلور واقع در هندوستان، اعضای نهضت ملی و ملت‌سازی ایران، به طور دسته جمعی بدشماره روسی و سوت‌زنی در سطح شهر اقدام کردند.

## مختار میتران

فراشوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه، روز سه‌شنبه ۱۰ مارس، در گفت‌وگو با خبرنگاران رسانه‌های گروهی، اظهار داشت که فرانسه قبول نکرد جنگ افزایش جمهوری اسلامی و فرودنا بدین نیسز یکی از ریسنه‌های دسواری‌هایی با شبکه در زمینه‌های سازی را بدین رژیم تهران و حل مسأله گروگان‌ها بدین آمده است.

میتران که در آن سخن خبرنگاران دیبلماسی تیک فرانسه سخن می‌گفت افزود: فرانسه همچنان به تحویل اسلحه به عراق ادامه می‌دهد، اما دشمن جمهوری اسلامی هم نیست. فرانسه ده‌سال است که به عراق اسلحه می‌فروشد. میتران در عین حال تأکید کرد که میزان تحویل اسلحه به عراق به دلیل مسائل مالی، افزایش نیافته است.

میتران در این مصاحبه اظهار داشت من فقط یک بار پذیرفتم جنایتکاری را که با چهارتن دیگر در سوئد فرجام به جان شایورختیا رنخت وزیر پیشین ایران شرکت کرده بود. عفوکنم، اما از پذیرش پیشنهاد آزادی مرحله به مرحله گروگان‌ها خودداری کردم و گفتیم وی را مورد عفو

بودن انتخابات در درون حزب کمونیست.

اما در زندگی مردم عادی شوروی ظرف این دو سال تغییر چشمگیری روی نداده است، با وجود بهبود اندک، کالاهای مصرفی ضروری هنوز بسیار با ثن تراز میزان مورد نیاز زعمومی عرضه میشود.

الکسیسم همچنان ضررهای عظیم به اقتصاد شوروی میزند و سوءاستفاده در شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی کماکان ادامه دارد.

به گفته "هنری کیسینجر" وزیر خارجه پیشین آمریکا که اخیراً از شوروی دیدار کرد، گورباچف ویرایش رونمایی خارق العاده و حتی انقلابی را آغاز کرده‌اند که بدون تردید در میان گروهیانی که هدف آن هسته‌ها و متی محسوس و برخوردان نگیخت.

مسئولان شوروی اطمینان می‌دهند که این نقاومت که گورباچف صریحاً "از آن با دگرده است در سطح دفتر سیاسی حزب، با کمیته مرکزی آن صورت نمی‌گیرد، بلکه در سطح با ثن تر حزب به چشم می‌خورد.

در زمینه خلع سلاح گورباچف اخیراً پیشنهادهای دگرده "موشک‌های اروپا" یعنی موشک‌های میان برد "اس.اس.۲۰" ساخت شوروی و موشک‌های "پرشینگ" و "کروز" ساخت آمریکا به طور همزمان برچیده شوند، چیزی که در گذشته شوروی به هیچ وجه زیر بار آن نمی‌رفت. گورباچف با این پیشنهاد که قبلاً از سوی جهان غرب عنوان شده بود، خود در جهان غرب بسمه صورت پیام و صلح‌توان داد، پیشنهاد گورباچف ابتدا شور و شعف فراوانی در

یابد.

در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ گورباچف با برنامی خلع سلاح خودمبندی برای زمین بردن کامل هرگونه سلاح هسته‌ای تاپا بان قرن بیستم، جهان را درنگفتی فریبید.

وی از آن پس بطور منظم نخست‌بینی‌های بلندیروا زانده‌ای ارائه میدهند و سپس به تدریج دامنه‌های محدود میکنند اما بهر روی شوروی را قدرتی صلح طلب جلوه‌گر می‌سازد.

وی در ۲۸ فوریه گذشته پذیرفت که حساب موشک‌های میان بردی را که در اروپا مستقر شده اند و به "موشک‌های اروپا" معروفند را حساب با سیرسونده‌های خلع سلاح جدا کنند و بدین ترتیب راه رسیدن به شوافتی را برای برچیدن این موشک‌ها کشود.

گورباچف در ماه فوریه خطاب به پیش از هزار روس و شکر - از جمله آندروپووی باخاروف - که از ۸۰ کشور جهان در کرمینلین کرده‌اند بودند، تأکید کرد که سیاست داخلی شوروی بیش از همیشه تعیین کننده است. سیاست خارجی آن کشور است و تأکید کرد که دستگاه رهبری شوروی برای آن که بتواند آزادی‌های فزاینده‌ای را به پیش ببرد و این روند را غیرقابل برگشت سازد، نیازمند "ملحی یا پادار" است.

وی همچنین از سیاست تازه خود در باره حقوق بشر دفاع کرد.

**آزاد سازی**

رهبر شوروی ظاهراً "درمده‌آزادتر کردن فضای سیاسی این کشور است. با بیان بخشیدن به تبعیدداری ساخاروف در او خردسایمیر ۱۹۸۶ و آزاد کردن ۱۵۰ تن - بنا به آمار رسمی - از نا رافیان شوروی در نیمه ماه فوریه گذشته و قول این که برونده همین تعداد زندانی سیاسی بررسی شود، با زتاب این قصد گورباچف است. دموکرات منش بدن جامعه شوروی، با اصلاحات بسیار محتاطانه‌ای در مکانیسم‌های اقتصادی آغاز شده است.

قانونی، در عین حال بسیار محدود، اجازه می‌دهد مردم به طور خصوصی به پاره‌های مثال بپردازند. بر اساس لایحه دیگری، مسئولان کارخانه‌ها از این پس "انتخاب" خواهند شد و این کارخانه‌ها میتوانند در کشورهای سرمایه‌داری، شرکت‌های مختلط تشکیل دهند. هشرمندان نیسز فضای با زتری برای خلق آثار خود پیدا کرده‌اند.

مطبوعات در حالی که همچنان تحت کنترل حزب هستند و به دقت سا سوت می‌شوند، تغییر چهره داده‌اند و میتوان نظریات بسیار انتقاد آمیز و اغلب متغیاتی را در آنها دید. مطبوعات با تشویق شخص گورباچف بیش از پیش وسعت اصلاحات کنونی و دامنه‌های انتخابی گذشته را منعکس میکنند و به بیان مسائلی می‌پردازند که تا دیروز جزو محرمانه شمار می‌رفت، مانند چنانچه استالین یا تشریفاتی

جهان غرب برای نگیخت ولی اندکی بعد، مقامات شوروی و آمریکا سعی کردند احساسات عمومی را تسکین بخشند و از امیدهای بیجا جلوگیری کنند. پس از اعلام پیشنهاد گورباچف، کارشناسان آمریکایی دیدار قریب الوقوع رهبران شوروی و آمریکا در پاریس تا بدین آینه سخن گفتند.

پنج ماه پس از بی نتیجه شدن مذاکرات رهبران دو ابرقدرت در "ریک جاویک" ایسلند، رسیدن به توافق بر سر "موشک‌های اروپا" بیش از هر زمان دیگر ممکن بنظر می‌رسد.

در همین حال جرج شولتز وزیر امور خارجه اعلام کرده که روز ۱۳ آوریل برای سفری سه روزه عازم مسکو خواهد شد. در واقع اعلام سفر شولتز بود که حدس و گمان در مورد دیدار رهبران دو کشور را و ج داد.

رئیس جمهوری آمریکا وزیر خارجه آن در هفته گذشته سعی کردند خوشبینی‌های زیادی را قدرتی کاهند. شولتز گفت هدف از سفری تعیین تاریخی برای دیدار رهبران دو کشور نیست و ریگان بهبود روابط با مسکو را در گرو رعایت بیشتر حقوق بشر در شوروی و حل مسائل منطقه‌ای مانند افغانستان دانست.

با وجود این اظهارات، موافق دوا بسر قدرت در عرض چند روز بطریقی شگفت انگیز به یکدیگر نزدیک شد، به گفته ناظران امکان این که مسکو و واشینگتن بر سر جمع آوری موشک‌های اروپا به توافقی برسند هیچگاه تا این حد به عمل نزدیک نبوده است هر چند مشکلات و مسائلی پیچیده‌ای در این راه هنوز حل نشده باقی مانده است.

## از بهشت استالین

### تابهشت خمینی

بقیه از صفحه ۱

با اینهمه این گرهی نبود که نظریه سران و میلان، خود را در گوشه آن در مانده نشان دهند. از منطق دیا لکتیک را بطه افشا دمک گرفتند و جاره ای اندینیدند. گفتند بهشت در سوسیالیسم، برخلاف بهشت ادیان بزرگ، مفهومی مطلق نیست، بلکه کاملاً بستگی به این دارد که دوزخ، بسه عنوان مفهوم متضاد آن، چگونه جاسازی باشد.

به عنوان مثال: درست است اینک به زندگی در مزارع اشتراکی، در مقایسه با استاندار کشورهای پیشرفته و مسرفه، بهشتی نیست، ولی اگر آن را با زندگی در اردوگاه های کار اجباری مقایسه کنیم، بیگان از بهشت هم بهتر است.

آن نویسنده شوروی نتیجه می گیرد که استالین اگر چه نتوانست برای زندگی در جامعه عادی الگوئی بهشتی بسازد، در عوض موفق شد زندگی در اردوگاه های کار اجباری را هر چه بیشتر به مفهوم دوزخ نزدیک کرده اند، بدانسان که مردم، همین که از آن اردوگاهها دوری بودند، خود را در بهشت احساس می کردند.

سید علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی نیز روزی گفت که جمهوری اسلامی تنها بهشت روی زمین است. براساس این سخن گری در فکر انسان بوجود می آید، انسان از خود می پرسد این چه بهشتی است که بیرون جوان، زن و مرد، خود را به آب و آتش می زنند و زندگی خود را فدا می کنند؟ خویشتن را به خطر می اندازند تا آن بگیرند. میلیونها آواره ایرانی در ترکیه، در پاکستان، در سراسر آمریکا و اروپا چه می کنند؟ آیا براساسی برای خوشگذرانی و به اصطلاح متداول در جمهوری اسلامی به قصد "رفاه طلبی" به این سرگردانی بزرگ تن داده اند؟ نه، آنها فقط نمی خواهند در جمهوری اسلامی، در این بهشت روی زمین، زندگی کنند و دوزخ آوارگی و بیخانمانی و سرگردانی را بر آن بهشت ترجیح می دهند.

اگر چه هیچ نیازی نبود که جمهوری اسلامی بهشت و دوزخ خود را از روی مسطوره استالینی بسازد، ولی به هر حال بدین نظریه سران و میلان و کارگزاران آن چیز بهتری نرسید. زندگی در زیر باران زندگی در کمبود و بیماری، زندگی زیر

فشار دستگا های سرکوبگر رژیم، خلاصه زندگی در حضور دائمی مرگ و نیستی که فلسفه شهادت رژیم پرده خنده را القای می کند، با هیچ معیاری زندگی بهشتی نیست، ولی زندگی در زندان اوین، زندگی در مالخ آباد، زندگی در زندان نهسا و سایر تگاه های که فقط سرعت در ساختن آنها می تواند با سرعت ویران شدن کشور رقابت کند، به تنهایی معنای کلام بیگ زندگی دوزخی است. این زندگی دوزخی هر چه شدیدتر و مهیب تر و تلختر، کارمیلان رژیم برای القاء بهشت جمهوری اسلامی کا ملتر. فقط در مقایسه با عذاب بزرگ در زندانها و سایر تگاه های رژیم، زندگی در شهرها و روستاها می تواند بدیه عنوان زندگی بهشتی و نامشود. این البته در هیچ کتابی از کتابهای نظری یا توصیفی منتشر شده از سوی تبلیغات رژیم تهران نیامده است، ولی یک رهنمود عملی در آنجا این است که بگوئید مردم را مدام در محرومیت و تنگنا نگا هدا رید، تا به اندک چیزی خرسند گردند.

برای زندانیی که در سبیل جهل محبوس است، اگر کسی حوصله کند و نامه ها می بخواند که مردم عادی برای روزنامه های صادر شده رژیم می فرستند، می بیند که جامعه امروز ایران از آن شهادت طلبی ترین نیا زهای روزگار است. یک قوطی شیر خشک برای یک مادر اروپائی اعلامیه ای نیست که بداند فکر کند. ولی فکر مادی ایرانی را بکنید که در آنجا نبوده ترا فیک شهری مثل تهران از این داروخانه به آن داروخانه می رود و همه جا اعلان مایوس کننده "هیچ نوع شیر خشک نداریم" را می بیند. برای او دستیابی به یک قوطی شیر خشک چه نعمت بزرگی است.

کارگزاران رژیم مدام به گوش مردم می خوانند که محرومیت را تحمل کنید، و تحمل محرومیت را به عنوان یک تقوا جا می زنند، بدین سبب که به محض نیاید شدن کمترین نعمتی خوشحالی کنند و دولت خدمتگزار را شکر گویند. بهشت جمهوری اسلامی نه به سبب آنچه براساسی بهشتی است، اهمیت می یابد، بلکه به اعتبار دوزخی که در رونق آن هیچ کوتاهی نمی شود.

با مسلمانان است که با تاء پیدا میمن جمیل رئیس جمهوری لبنان انجسام گرفت. نیروهای سوریه ۲۳ حزب الهی را بر اساس تصمیم "جرج تولتز" وزیر امور خارجه آمریکا به قتل رساندند. از سوی دیگر پاره ای از رهبران شیعه لبنان با ورود نیروهای سوریه به حومه جنوب بیروت موافقت، از جمله یکی از روحانیون بلند پایه شیعه لبنان، شیخ عبدالامیر کبیلان گفت: "امنیت برای همه لبنانی ها و در سراسر لبنان لازم است و سکنه حومه جنوبی بیروت هم

## شکار ریشوها

### در بیروت

بقیه از صفحه ۵

شیخ عباس موسوی، یکی از روحانیان حزب الله، در همین مراسم که با حضور سه هزار حزب اللهی برگزار شد بهشت به سوریه حمله کرد و گفت: "ورود نیروهای سوریه بر نامه ای سیاسی به منظور مبارزه

## ایران گیت ادامه دارد

بقیه از صفحه ۴

ریگان با راضی هستند. ۵۲ درصد از کسانیکه توسط روزنامه واشینگتن پست و تلویزیون ا.بی.سی. مورد بررسی قرار گرفته بودند نسبت به ریگان نظرسنجی مسا عددا شدند و ۴۷ درصد با او موافق بودند.

خبرگزاری فرانسه روز چهارشنبه ۱۱ مارس گزارشی داد که دو کمیسیون کنسره آمریکا که ماه مور تحقیق درباره ماجرای ایران کیت هستند روز سه شنبه اعلام کردند که متفقا "از لاریس والس خواسته اند با اعطای "ممنوعیت محدود" به بیگ با زرگان آمریکا شی ایرانی الاصل بسه نام آلبرت حکیم موافقت کنند تا وی بتواند اطلاعات مهمی را که در زمینه نفوس سلحه در رژیم جمهوری اسلامی و انتقال سود حاصل از آن به حساب فدا نقضات نیکارا کوئه در اختیار دارد، به آگهی کمیسیون های تحقیق برساند. بدگفته منابع آگاه، آلبرت حکیم با زرگان اینجا ها سالها برای الاصل آرمیونی تحقیقاتی از تمامی فعل و انفعالات ماجرای ایران کیت در اختیار دارد که نظایع آن شکات مهمی را روشن خواهد کرد. وی همین "زندگیان رن سوال" "سکورد" است که با رهنگ الیور سورب همکاری نزدیک داشته است.

در این حال نیویورک تا سوزد رسانه دوازدهم مارس خود به نقل از مسئولان دولتی و کارستانان آمریکا شی مسائل ایران سوس که با فاس شدن تدریجی جزئیات متاملد سنجانی سلحه در آزادی گروگانها که به رسوایی ایران کیت منجر شده است، آینه روایت آمریکا و جمهوری اسلامی به تیرگی گراییده است. این چنین امید بهبود مناسبات و شنکتن - شهران هر جد بیشتر برپا می رود.

شهران ریخته شود اما رهنگ الیور نور آن را سحساب حدانق نقضات نیکارا کوئه ریخت. عدنان قاشقی افزود: اسرائیلی ها برای حفظ منافع "میانبروهای ایرانی" که از زیر میزدست در دست اسرائیل دانستند، ۲۵ درصد به قیمت سلاح های سحول شده به جمهوری اسلامی افزوده بودند. اما الیور نورب بودن سی از این امتزای قیمت را به جای تحویل بسه "میانبروها" به حساب فدا نقضات نیکارا کوئه واریز کرد.

\*\*\*

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از بغداد، سیرامون سآمدهای "ایران کیت" در عراق نوسب: ماجرای تحویل سلحه آمریکا شی به جمهوری اسلامی بسببده است که سیاست آمریکا در حرم مقامات عراق و کشورهای خلیج فارس بسببست بی اعتبار نمود. رابرت سوربیلی "نماینده حزب دموکرات از ایالت نیوجرسی در مساله فوریه سن از بازگشت از بغداد در برابر کنسره اعلام کرد که در سرفروس موسک های آمریکا شی "ها و کتبه جمهوری اسلامی در ماه های اخیر در دربار زنیروی هوایی عراق آسیب دیده است.

مقامات دستلما تیک می افزایند که دولت عراق با توجه وعلاقه ادعا های ایالات متحده را در مورد این که خواهد کند. تا متعدهای را به سطح فروش سلحه به جمهوری اسلامی وادارد، دنبال میکند. در این حال بنا بر یک نظر خواهی که شایع آن سه شنبه ۱۰ مارس از تلویزیون ا.بی.سی. آمریکا سخنرانی کرد، کمریست مردم آمریکا از نظر مدیریت روبا لشد

حق دارندان این امنیت برخوردار شوند. " در این میان ولید جمعی لاط رهبر دوزبان لبنان نیز خواستار ورود نیروهای سوریه به حومه جنوب بیروت شد.

رشید کرامه، نخست وزیر لبنان نیز روز سه شنبه ۱۰ مارس خواستار شد که طرح امنیت سوریه به تمامی لبنان از جمله حومه جنوبی بیروت گسترش یابد. همچنین محمود فقیه مسئول سازماندهی جنبش امل در جنوب لبنان گفت طرح امنیت سوریه باید به شهر "میدا" در جنوب لبنان گسترش یابد.

\*\*\*

در این حال از روز پنجشنبه ۵ مارس گفتگوهای در دمشق میان فرستادگان رئیس جمهوری لبنان و مسئولان سوریه، برای تدوین یک "پیمان ملی" تساهزه برای لبنان آغاز شد.

قرارداد معروف به "پیمان ملی" در سال ۱۹۴۲ میلادی منعقد شد و دولت جدید لبنان بر اساس آن بوجود آمد. رشید کرامه نخست وزیر لبنان و طرفدار سوریه همچنین کامیل شمعون یکی از

رهبران مسیحی لبنان که مخالف سوریه است هر دو در مذاکره های که روز سه شنبه ۷ مارس منتشر شد اعلام کردند که بحران لبنان در آستانه پایان گرفتن است.

\*\*\*

بدگزارش خبرگزاری فرانسه، برای بازگرداندن صلح به منطقه، روز سه شنبه ۱۰ مارس تصمیمهایی توسط "کمیته سه" امنیت " مرکب از وزیران لبنان تی و افسران سوری و لبنانی اتخاذ شد که قرار بود از روز چهارشنبه به موردا جسر گذاشته شود. از جمله این تصمیمها آن است که با پیدا زهمه کسانیکه از گذرگاه میان دویخش بیروت میگذرند عکسبرداری شود و نیز اوراق شناسایی اتموبیلها با زرسی شود.

از جمله تصمیمات دیگر "کمیته انقلاب" بستن همه کافه ها، بارها و کاباره های است که بطور غیر مجاز دوزخا به جنگ باز بوده اند، همچنین رفت و آمد موشبور سیکلت ها در طی شب ممنوع اعلام شده است.

بقیه از صفحه ۱

ما برای گروگان گیری، چهارصد و چهل و چهار روز طول کشید و درین مدت، هر چه آمدند و رفتند و بیایم آوردند و دلالت و صحبت کردند و حاضر شدند، متباها بدهند و گروگان ها را بگیرند حضرت اما ما اعتنا نکردیم. درست فردای آن روزی که مکرراتها در انتخابات آمریکا با زنده شدن و دیگر نه میخواهند و نه میتوانستند در قبال آزادی گروگانها چیزی بدهند حضرت امام تشخیص داد و وقتش رسیده است که گروگانها آزاد شوند. ازینرو نماینده مخصوص خود را با بیایمی محرمانه بخارج فرستاد و بیایمی آمریکا را با اعلام داشت با بیایمی تمام شد، بیایمی دیگر چه میخواهد بگیرد و گروگانها را ببرد. آنها هم نشنیدند و حساب کردند و دیدند با هر رقم مقطوعی بخوانند معامله را فیصله بدهند ممکن است مغبون شوند. چند میلیار دلار نقد گرفتند، چند میلیار دلار گرویدار شدند و قرار دادی را در اجزیه به امضای نمایندگان حضرت اما مرسانند که براساس آن، آمریکا عواین که بولهای ایران را بیبدهد بصورت طلبکارا داد می ایران در آمد. اما ما چنین اما می است، کار بیموقع نمی کند. خیلی ها امروزه طعنه میگویند لباس بعد از عید بدر آویختن برقا مست سنازه میخورد و ساختن پناها که، در حالی که هفت سال از شروع جنگ میگذرد حکم نوشداروی بعد از مرگ سهراب را دارد. ولی آنها اشتباه می کنند. آنها موقع شناسی حضرت امام را ندارند. اگر هفت سال پیش، در اوایل جنگ، جمهوری اسلامی به فکر احداث پناهاها می شهری می افتاد کمتر کسی متوجه می شد که ساختن پناهاها چه کار بزرگ و پراهمیتی است. میبایستی هفت سال بگذرد و مردم، طعم بمباران های هوایی را بچشند، معنی "ترکش" و "واج" را بفهمند، مرگ و نابودی را به چشم خودشان ببینند تا بپذیرند که در هفتمین سال جنگ، هیچ هدیه ای برای شب عیدشان دلبذیرتر و

عید عید حضرت امام

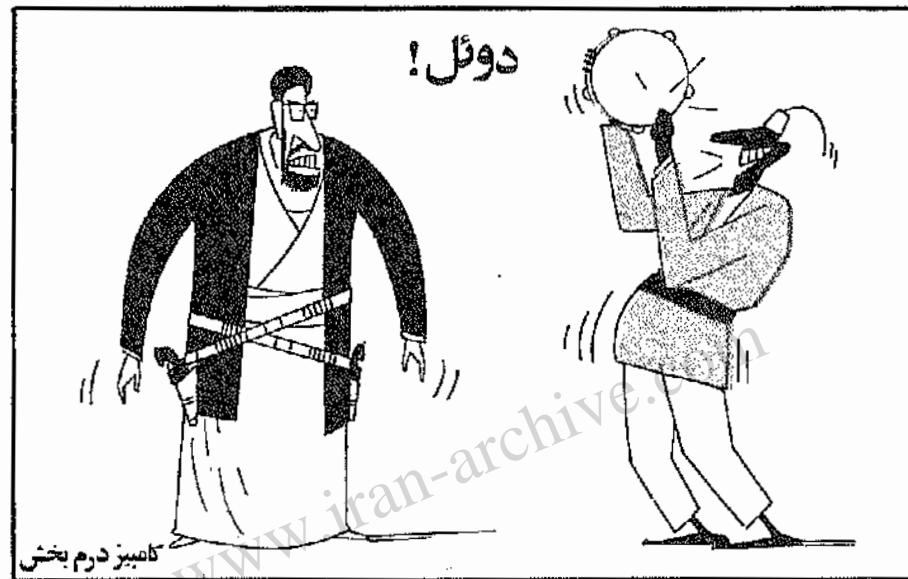
نمی گفتند و نمی نوشتند. اگر عیدی کارمندان دولت و سودویژه کارگران در دهه دوم اسفندماه بدستان نمی رسید یا دولت تصمیم میگرفت یک روز تعطیلات نوروزی بکا هدجه امشکهای بسراهمی افتاد.

اینها همه، به برکت ظهور امام و انقلاب شکوهمند اسلامی و جنگ هفت ساله که حضرت امام آن را نعمت بزرگ و مانده آسمانی نامیده اند، امروز جزوا فسانهها بسراهمی آید. بنا براین، حال برای مردم جنگ زده و محنت زده و مصیبت زده ایران، بالاترین عیدی، ساختن پناهاها است. سوراخی که بخوانند در آن پناها شوند تا جانشان در امان باشد. ما نشان، نشانمان، خانه و کاشانه نشان، شهرشان، اگر در زیر باران بمب و موشک از بیین رفت چه اهمیت دارد؟ مگر مسلمانان صدر اسلام که حضرت امام میفرمایند بسیاری رفیع عطش مشک خالی را میمکیدند و برای سد جوع دا نخر ما را دهان به دهان میگرددند و خاکی چند طبقه و حمام و یخچال و اجاق گاز و ماشین رختشویی داشتند؟

یکی دیگر از خصوصیات حضرت امام اینست که حرفش حرف است و وعدههایش نکول نمیشود. برخلاف آن عده از زعمای جمهوری اسلامی که مکرر گفته بودند سال سال با بیان گرفتن جنگ و پیروزی لشکر اسلام است، حضرت امام هیچگاه، حتی به اشاره، زحمت جنگ نه در سال جاری و نه در سال آتی سخنی نگفته است. تا جایی که ما بیاد داریم و حاضریم شهادت بدیم حضرت امام گفته بود اسلام یعنی جنگ و جنگ با بدت آخردنیا ادا شده پیدا کند، اینست که ملاحظه میفرمائید سال با بیان می پذیرد ولی جنگ، با بیان یافتنی بنظر نمی رسد. تا زحما لادولست منتخب و مورد اعتماد حضرت امام میخواست در شهرها پناهاها احداث کند و نه در تهران گفته است در نظر دارم تهران را به یک شهر جنگی و مقاوم تبدیل کنیم تا مردم از بیباران نترسند!

کشور، اکنون مردم ایران بجای رسیده اند که در شب عید دیگر فیلسان یا هندوستان نمیکند. ما می و برتقال و سکه طلا از دولت نمی خواهند. تنها آرزوی مردم اینست که در ایام عید بمب و موشک بر سرشان نیبارد. هوا هر طور میخواهد باشد، غذا بود که نبود، نبود هم نبود. لباس شب عید، ما می شب عید، میوه شب عید، آجیل و شیرینی شب عید از ذهن مردم وزندگی اکثریت

با ارزش تر از سوراخی بنا مینا هکساست نیست. هنگامی که آثار مضیقها رزی و بحران اقتصادی و صنعتی بصورت کمبود مواد غذایی و ما یحتاج عمومی در ایران ظاهر شد، مسئولان امر در جلسه ای موضوع را با حضرت امام مدرمیان گذاشته و اظهار رنگرانی کرده بودند. حضرت امام فرمودند شما از بین جیات نگران نباشید. راه حل تمام این



مشکلات جنگ است. جنگ با بیبجائی برسد که هر کس صبح از خواب برخاست و دید زنده است آن را عمر دوباره بداند و بهمین انداز زه شاکر باشد. وقتی مردم به آنجا رسیدند دیگر به خوراک و پوشاک اهمیت نمی دهند و رفا طلبی را فراموش می کنند! می بینید که حضرت امام اشتباه نکرده بود. بر اثر ندا و جنگ و کشیده شدن دامنه آن به شهرهای مرکزی و شمالی

مشکلات جنگ است. جنگ با بیبجائی برسد که هر کس صبح از خواب برخاست و دید زنده است آن را عمر دوباره بداند و بهمین انداز زه شاکر باشد. وقتی مردم به آنجا رسیدند دیگر به خوراک و پوشاک اهمیت نمی دهند و رفا طلبی را فراموش می کنند! می بینید که حضرت امام اشتباه نکرده بود. بر اثر ندا و جنگ و کشیده شدن دامنه آن به شهرهای مرکزی و شمالی

طرح کنترل ارتش

بنا بر زکی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به منظور کنترل ارتش طرح جدیدی ریخته اند و سرپرستی نیروهای مسلح را بین خود تقسیم کرده اند. به طوری که تعیین فرماندهان نیروها باید با ضمانت سرپرست هر یک از آنها انجام شود. سرپرست نیروها در مقابل روح الله خمینی مسئول هستند. بر اساس این گزارش کنترل نیروی هوایی به سیدعلی خامنه ای سپرده شده است. نیروی دریایی تحت سرپرستی هاشمی رفسنجانی قرار دارد. کنترل

پناهندگی افسران

جمهوری اسلامی

به گزارش عنا صرمی سرهنگ عباس عابدین رئیس ستاد نیروی هوایی جمهوری اسلامی که برای خرید سلاح به لندن اعزام شده بود، از خدمت جمهوری اسلامی گریخت و از کشورهای جهان آزاد تقاضای پناهندگی سیاسی کرد.

بر اساس این گزارش حدود ۳۰ تن افسر دیگر که عده ای از آنها عضو هیئت خرید سلاح بودند، همزمان با سرهنگ عابدین گریختند.

مجله الوطن العربی چاپ لندن نیز گزارشی گریختن سرهنگ عابدین را در شماره اخیر خود منتشر کرد.

سرهنگ عباس عابدین، قبلاً همسر و فرزند خود را به یکی از کشورهای جهان آزاد فرستاده بود، و خود را زلنسدن به خانواده خویش ملحق شد و تقاضای

پناهندگی سیاسی کرد. نام گروهی از افسران که همزمان با رئیس ستاد نیروی هوایی گریختند این شرح است:

- سرهنگ اسما عیال حسین ظلابه - جانشین رئیس ستاد نیروی هوایی.
- سرتیپ محمدواثقی - افسر پدافند هوایی و یکی از افسران مورد اعتماد رژیم.
- سرهنگ علی اکبر اسکندری - وابسته نظامی جمهوری اسلامی در هند.
- سرتیپ حسن شهرکی - خلبان هواپیمای اف-۴.

سرهنگ بیژن ربیاحی - مدیر عملیات ترابری و یکی از افسران مورد اعتماد رژیم.

**تلفن خبری**  
**نهضت مقاومت ملی ایران - لندن**  
 شماره ۲۲۱۰۶۶۸

**نشانی:**  
 QYAM IRAN  
 C.O. C.B.  
 17, bd RASPAIL  
 75007 PARIS  
 FRANCE

**ایران هرگز نخواهد مرد**